



بها ۲۵ ریال

دوشنبه ۱۰ دی ماه ۱۳۵۸

پیکارا بخوانید و در تکثیر و پخش آن بکوشید

صفحه ۵
صفحه ۶
صفحه ۶
صفحه ۹
صفحه ۱۴
صفحه ۱۹
صفحه ۲۴
صفحه ۲۴

■ حرفهای زحمتکشان از شربات زحمتکشان
■ خلق ها و مسئله ملی
■ گزارش از درگیریهای اخیر زاهدان
■ اخبار و مسائل جهانی
■ اخبار ارتش به اصطلاح ملی
■ حزب توده، حزب معاند است، نه مبارزه
■ سو استفاده از انقلاب فلسطین موقوف
■ معاذ انکلیبی آیت الله بهمنداری

زیگزاگهای ضد انقلاب و انعکاس يك جانبه آن در صف انقلاب (۲)

زیگزاگهای ضد انقلاب و انعکاس آن در حرکت احزاب کمونیستها

صفحه ۱۰

گرامیداشت خاطره هر شهید خلق، پاسداری از خون تمامی شهید است

گزارشی از گردهم آیی روز پنجشنبه ۵۸/۱۰/۶ در دانشگاه پلی تکنیک بمناسبت سالگرد شهادت ۱۵ رفیق قهرمان از بخش منشعب از سازمان مجاهدین خلق ایران

صفحه ۲۰

همدوش با انقلاب فلسطین تا پیروزی کامل

ایران از مبارزه مسلحانه خلق فلسطین علیه امپریالیسم صهیونیسم و ارتجاع باشد. به مناسبت آغاز انقلاب مسلحانه فلسطین لازم دیدیم به معرفی سازمان های فلسطینی بپردازیم:

بقیه در صفحه ۹

به شنبه با زده می ماه برای است با اول ژانویه ۱۹۸۰، با نزد همین سالگرد آغاز انقلاب مسلحانه خلق فلسطین. سازمان ما بدین مناسبت جشنی میربا خوا هداشت تا سهم خویش را بنگر حمایت و همبستگی بیدریغ خلقهای رزمنده



گرامی باد یکصدمین سالگرد تولد حیدر خان عمو او علی

به تاریخ ۲۹ آذرماه سال ۱۲۵۸ هجری در شهر ارومیه در خانواده متوسط و روشنفکر "نکتنر تاروردی زاده"، فرزند پسر، بدنیا آمد که نام او را "حیدر" گذاشتند. بعدها شرایط زندگی، میهنان و همسایه شمالی اش روسیه که هر دو آبستن توفانهای عظیم انقلابی بودند، از او یکی از برجسته ترین فعالین و مبارزان جنبش خدا میربا لیستی - دموکراتیک و کمونیستی را ساخت. سراسر زندگی کوتاه ولی پرثمر او که

بقیه در صفحه ۲

دعوت

روز اول ژانویه (با زده می ماه) معادفات با با نزد همین سالگرد آغاز انقلاب مسلحانه خلق فلسطین. به همین مناسبت از کلیه هموطنان مبارز و نیروهای انقلابی دعوت میکنیم که در مراسم بزرگداشت این روز بزرگ و بخاطر اعلام همبستگی با خلق فلسطین در مبارزه خدا میربا لیستی - فدیهونیستی و عدالتخواهی، روز پنجشنبه ۵۸/۱۰/۱۳ در دانشگاه صنعتی شریف شرکت نمایند (ساعت ۳ بعد از ظهر)

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

چرا امیران نظامها در قدرت حاکمه سهم پیدا میکنند؟

انقلاب در سالی بزرگی به مردم داده است خلقهای ما در حرکت عظیم مبارزاتی خویش آموخته اند و می آموزند که دشمن را در چهره های گوناگونش با زنا ساند، در پشت شعارهای بظا هر انقلابی و کلمات فریبنده تنها و تنها عامل انقلابی را جستجو کنند و از زده ندهند و آشکاره ان فرصت طلبان سرنوشته و حیانتان را با زبچه هدفهای خائنه و سودجویانه شان سازند. مردم ما امروز میدانند که دشمن در روشن شدن افتخارات سردمداران رژیم تنها رسوایی چهره ها نیست. اگر امروز امیران نظام نمیتوان ما مورس و ویزدی بمشایه خدمتگزار و فساد را میربا لیسم شاخته میشوند و اگر نقش خدا انقلابی نیست ازادی و لیبرالهای

بقیه در صفحه ۲



- شورای انقلاب با تصویب قانون سود ویژه، ماهیت خود را افشا میکند
- پیروزی کارگران اخراجی و متحد کارخانه دکتر عبیدی
- مبارزه کارگران مبارز فاسترویلر (تهران - جنوب) ادامه دارد
- حرکت انقلابی کارگران بارنویس بنادر

صفحه ۳



- طوفان شمال آرامش ندارد
- روستائیان یورمجله بر علیه زمین دار کمیته جی می رزمند

صفحه ۷

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

نمیخواست قرا رگیرد. اینچنین است که می بینیم امپریالیسم یک مهره ها و نیروهای متقابل بخودبستگی ملطه خویش می پردازد. لیبرالها همکار و همدست بورژوازی و بسته و خدمتگزار تان و تمام منافع امپریالیسم می - گردند و خرده بورژوازی در قدرت نیز با زدن مهر تا شید خود بر تمام این خباثتها عملا و با ضوابط و پیچ و خمهای در همان مسیرها هفت.

● اگر امروزه امپریالیسم به عنوان ماورسیا ویزدی به مثابه خدمتگزار و فداکار امپریالیسم شناخته می - شود و اگر نقش ضد انقلابی نهضت آزادی و لیبرالهای تمام عاری چون، بازرگان در برابر توده های وسیع مردم از پرده بیرون می افتد حقایق بهمین جا ختم نمی شود.

بر همین اساس وجود ناهای ما و اکی با ما مویرین سب و مهره های امپریالیسم در هیئت حاکمه، همانها که همچنان مورد دفاع و توجیه نه بهشتی و بازرگان قرار میگیرند نه تنها از روی تعاد و بی اطلاعی آیت الله خمینی با دیگر رهبران مذهبی شعیب نمی شود، بلکه در سیستم سرما به داری و بسته و در چارچوب ضد خلقی آن امری اجتناب ناپذیر تلقی میگردد. همین نیروی نمیتواند حضور این عناصر و وجود توطئه های تنگین و فساد انقلابی را در هیئت حاکمه مانع شود، مگر اینکه بخواد اساس سیستم سرما به داری و بسته را تا بودا زد و چنین نیروی نیز در هیئت حاکمه وجود نداشته و ندارد. اینکسی - بهینم ماها خباثتها و رسوا شهای هیئت حاکمه از طرف آیت الله خمینی و دیگر نمایندگان خرده بورژوازی تا شید و ما به شدت با تنگین گذاشته میگردد، خود نشانها رزی است از اینکه تفاد عمیق همینها و گرو هندیهای هیئت حاکمه با جنبش انقلابی طبقه کارگر، زمین کشاورز و همه نیروهای دمکرات و انقلابی، اشتراک منافع آنها را در برابر بر توده ها حاصل میگردد و اندواینکه می بینیم به داریها با افشاگری گوشه ای از توطئه ها و خباثتها و جناحهای از هیئت حاکمه پرداخته میشود، در وهله اول با اعتبار ربا رزات بهیگرا نه و سازش ناپذیر توده ها و عمق بحران - ناشی سیاسی - اقتصادی است که چنین عقب نشینی ها را ز تحمیل میکند، منتهای نکته مهم اینجاست که علیرغم وجه اشتراک اساسی میان جناحهای هیئت حاکمه و وجود اختلافات و تفاذهای آنها که بر اشرف را زبانشین (از طرف توده ها) حدت یافته و اینچنین بروز میکند. با گردش عمومی نظام سرما به داری و بسته و در نهایت وجود این اختلافات از جهت مید همدستی و واحد و منسجمی دنبال شود. از طرف عنا مروکسروه و بندیهای مختلف روشهای گوناگون بر سر تئیت سیستم و تحکیم موقعیت خود دنبال میشود، گفته ها و نظرات و شیوه های آیت الله خمینی با سببهای بازرگان و وزدی بطور کامل و لائق نمیدهد و روشهای بنی مدربا هیچک، بهشتی سبی دا رد در لیس روحا نیت و مذهب سببهای

بقیه در صفحه ۱۹

بقیه از صفحه ۱۰۱
چرا امپریالیسم ما ...

تمام عیاری چون بازرگان در برابر توده های وسیع مردم از پرده بیرون می افتد، حقایق به همین جا ختم نمیشود. رسوا شهای امپریالیسم نیز در برابر بازرگانها و خباثتها و در هیئت حاکمه را در پیکار مردم به محاکمه نمیکشد، بلکه در ضمن ماهیت سیستمی را بر زیر سؤال میبرد که چهره های خا شنی چون یزدی و امپریالیسم را در خود جای میدهد سببها را ده لوحا نه و فساد گرگمان بریم که رسوا شهای این عناصر را در نظر توده های وسیع مردم امری تمام عاری و با خفا قی تلقی خواهد شد. آنها از خود میپرسند آیا ما ماهیت این خا شنها بحال روشن نبود؟ مگر نه اینکه همینها با تا شید و حمایت رهبران مذهبی بروی کار آمدند و مگر نه اینکه از همان ابتدا مورد افشاکری و وسیع نیروهای انقلابی و دمکرات واقع شده بودند؟ چه چیز نمیتواند وجود این توطئه ها و خباثتها و حضور طنین آنها را در هیئت حاکمه توجیه کند؟ پاسخ ما و شما منتهی و خا شنها و انقلابی و دمکرات اینست: انقلاب در نیمه راه متوقف ماند، حرکت عظیم انقلابی توده ها با نشاء و در ربا ریان و اساس رژیم سلطنتی را نابود ساخت و به امپریالیسم غربت جدی و از راه وارد و بدین ترتیب گامی بزرگ در انقلاب بجلو برداشته شد. لیکن اساس ناهای و ارگانهای سیستم ضد خلقی سرما به داری همچنان حفظ گردید، خباثتها و تسلیم طلبی ها و سازشهای نیروهای حاکمه از جهت نداشتن اهداف و مبارزات مردم اساس و استیسی و نظام سرما به داری را ریشه کن کنند و اینچنین شد که امپریالیسم نظام، با جبرانها، یزدی ها و دیگر مهره های امپریالیسم در دولت موقت انقلابی "بستهای حساس را اشغال کردند. از این پس منافع امپریالیسم میبایست با اشکای به سببهای همین عناصر را در میان بدو تحکیم شود. اگر بنا بودی رژیم سلطنتی و با نشاء گاه بهترین ما میان امپریالیسم بودند و استیسی تنگ تنگ ایران به امپریالیسم را تضعیف ساخته بود، میبایست بخشها و قشرهای دیگری از بورژوازی و بسته و نیز بورژوازی لیبرال با خزین به قدرت و با تصرف مقامهای حساس حافظ و با سادار منافع امپریالیسم گردیدند. تمام محاسبات امپریالیسم برای حفظ سلطه خود بر پایه نقشه گاه این افشا ریفا میکردند و میکنند! ستوار بوده است. عناصر و بسته های نظیر یزدی، امپریالیسم، چمران و... و لیبرالهای خا شنی چون بازرگان، سحابی و... اکنون و طبقه دا شند و زیر پوش حمایت از رهبران قدرتمند مذهبی که از نفوذ توده های برخوردار بودند و در واقع با حمایت آنها سببهای خود را با جبرا گذارند. در این میان ماهیت سازشکارانه و تسلیم طلبانه خرده بورژوازی به قدرت رسیده این مسیر را هموار میساخت، چرا که در برابر ابراد و مو بهیگری جنبش انقلابی توده ها، خرده بورژوازی نیز موقعیت خود را در خطر دیده و با بورژوازی در دفاع از سرما به اشتراک منافع عمیقی حس میکرد. بنا بر این با وهم در مسیر جز فساد انقلاب

بقیه از صفحه ۱۰۱
گرمای با یکدمین سال ...
مالا مال از خور انقلابی، رتاد و وفاداری به آرمانهای انقلاب بود. با انقلاب عظیمی که میهن ما را فرا گرفته بود، همین گشته است. او با انقلاب زیست و تاریخ زندگانی او تاریخ انقلاب است. و از همین روست که تاریخ و ادبیات انقلابی او را با نام انقلابیاش، "حیدر خان عمو و غلی"، همان نامی که با ران همزمش بر او گذاشته بودند، در سینه خود ثبت کرده است. امروز "حیدر خان" زاده "شاه درقا لب" حیدر خان عمو و غلی است که کمی زید و بزرگ مردی را در دهنش تدا می میکند که تمام زندگی خود را وقف راههای مردم میهن ما در از چنگال استعمار و استعمار نمود.

طبقه کارگران بران در طول قریب به ۸۰ سال که از عمر جنبش فدا میبرای لیستی و دمسو - کراتیک میهن ما می گذرد، همواره در پیشانی پیش آن حرکت کرده است و مبارزان مدیق و پر شور و بشمارای را تقدیم راههای میهن و خلقهایمان از چنگال سلطه شوم امپریالیسم نموده که در میان آنها حیدر خان عمو و غلی همچون ستاره ای فروزان می درخشند. این قهرمانان پاکباز چنان نقش برجسته و مهمی را در تحولات انقلابی کشور بازی کرده اند که حتی کوردل ترین افراد نیز فاقد در به انگار نیستند.

جنبش کمونیستی میهن ما که قریب ۷۰ سال سابقه دارد، مسیر پر شیب و فرازی را با - بهای بیچ و خمهای جنبشهای بخش طوسی نموده که هنوز رنگاتنا شناخته و پوشیده و مبهم فراوانی دارد و هنوز بررسی جامع و عیسی از تمام ریشه و منتهای این تاریخ عظیم بمصل نیامده است. حیدر خان عمو و غلی به مثابه یکی از اینها در پر شور و هوشمند این جنبش، با یکا به رازش را در این جنبش عظیم اشغال میکنند. او در سراسر زندگی کوتاه خود با شور و عشق تمام برای سببهای که در میبستگ بین - المللی کارگران بطور گرا د ابراد کرد، وفادار ماند و سرانجام نیز در راه تحقق همین آرمانها جان خود را از دست داد: "رفقا! ما فرزندان خلقیم و برای احقاق حق خلق مبارزه می کنیم. سرما به داران دشمن ما هستند. ما از هر گونه سازش با این ستمگران امتناع می - ورزیم. اینها خفه کنند! جنبشهای بخش و مکنده خون مردم زحمتکش هستند. در مبارزه با این ستمگران برای ما با مرگ و با پیروزی است! راه برگشت و عقب نشینی برای ما موجود نیست! ما به پیروزی خود اعتقاد داریم و مطمئنیم که ما مطمئن هستیم."

طبقه کارگران بران به رهبران پر شور و ستارایمان خود که چنین شیفته و ربه رها شای او عشق می ورزیدند، احترامی گذارد. با دشن گرامی

تاریخ زندگی حیدر خان قبل از همه و مهمترین ریشه تاریخ جنبش کمونیستی ایران است. و ما نیز برای این نکته از زندگی حیدر خان مکت میکنیم.

ادامه دارد ...

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

جنبش کارگری



"شورای انقلاب" با تصویب قانون سود ویژه، ماهیت خود را افشا می‌کند

ده‌ها ماه از قیام پرتشوکه و توده‌های خلق می‌گذرد، لیکن شورای انقلاب بدلیل تدلیش وقت "هنوز در پی اجرای همان قوانین ضد خلقی رژیم پهلوی می‌باشد! بازرگان خیانت کار، نخست وزیر دولت موقت جمهوری اسلامی، از همان آغاز به سرکارت آمد، دستور اجرای تاوشام همان قوانین رژیم ضد خلقی پهلوی را صادر کرد. او مستقیماً بود که گرمواری را که به سلطنت مربوط است، حذف نمود، بقیه قوانین بهیچ‌وجه متروقی می‌باشد! به این ترتیب بود که "دولت موقت" بر تمام جناح‌ها، غارتگرها، و جنگجویان و استثمارگر رژیم مزدور قبلی، نسبت به کارگران و سایر زحمتکشان روا داشته بود، صهرتا شیدز و در هر حال نشان داد که نمی‌خواهد و نه می‌خواهد هیچ‌گونه تغییر اساسی در وضعیت فلاکت‌ناپذیر زندگی کارگران و زحمتکشان ما ایجاد کند.

شورای انقلاب نیز که مدعی مبارزه ضد امپریالیستی است، در عمل فرصت‌ناشناس است به تغییر قوانین رژیم منحوس پهلوی اقدام نموده و به همین علت همان قوانین دور

روزم سابق را لازم به اجرا می‌بیند! بهشت حاکمه فرصت داشته است، حرامیه داران و استعمار به "میهن" دعوت کند و بازگرداند، فرصت داشته است قرارداد های جدیدی با کشورهای امپریالیستی ببندد، فرصت داشته است ارتش را با اصلاحی تازه خریداری شده از آمریکا مسلح کند، فرصت داشته است به کردستان لشکرکشی کند، فرصت داشته است... لیکن فرصت نداشته است حتی یک بند از قانون کار "خدا کارگری رژیم قبلی را ملغی کند! قانونی که در خدمت سرما به داری و وابسته بود به و هست. احسن تعبیر این مبارزه ضد امپریالیستی! بدین ترتیب همه شا هدیم که چگونه در ده ماه و نیم گذشته سرما به داران را حمایت بهشت حاکمه و با انکار به همان "قانون کار" آیا جبری کارگران را و جنبه‌ها استثمارگرده اند و کارگران حتی به یکی از خواسته‌های اساسی خود در زمینه حقوقی نظیر ۴ ساعت کار در هفته، جرایمی تعطیلات با کارمندان (دولتی)، و... نرسیده اند، مسئله دستمزد و سود ویژه نیز یکی از این موارد است.

عقبه در صفحه ۱۶

ادامه گزارش کارخانه استارلایت:

شورای ضد کارگری،

مجری توطئه‌های کارفرما

در پیکار ۳۳ گزارش توطئه‌های کارفرما در مورد اخراج ۲۶ نفر از کارگران آکا هکارخانه استارلایت و مبارزه آنها را برای بازگشت سرکار و نوشتن، در زیر دینا به گزارش را لحظه می‌کنید:

حراج ۲۶ نفر از کارگران آکا هکارخانه استارلایت، پس از ۲۵ روز درگیری و مبارزه برای بازگشت سرکار، روز شنبه ۵۸/۹/۱۷ طی هور جلسه‌ای که بدست شورای ضد کارگری و کمیته دیونوشته شد، بطور قطعی اخراج شدند.

اگرچه ادعای کارفرما ی کارخانه مبنی بر اینکه کارگران داخل خواستار اخراج این عده شده‌اند، توطئه‌ای بیش نیست، اما این واقعیت تلخ را باید پذیرفت که کارگران اخراجی همدوران اشتغالشان در کارخانه نتوانسته بود - خدایا دیگر کارگران جوش بغورند و خواسته‌های خود را برای آنها تشریح کنند، اگر غیر از این بود کارگران داخل اینطور در برابر اخراج آنها

یاد رفیق کارگر علیرضا کرکوندی گرامی باد!



رفیق علیرضا در خانه‌های زحمتکش به دنیا آمد، در بیا نژده سالگی به علت فقر خاچا ر شد ترک تحصیل کند و کار رودس را با هم ادایم دهد. آشنا شیش با ما و کمیسم، کمیتسم و ایمان و امیددی که در این آشنائی به راه‌های خفیه اش از جنگ سرما به داران و استثمارگران پیدا کرد، در راه و شور و شوق فراوانی موجود آورد. روز جمعه ۳ آذر ماه هنگامیکه رفیق علیرضا با چندتن از رفقایش به کوهنوردی رفته بود، به علت لغزندگی از کوه سقوط کرد و متأسفانه در دم جان سپرد. بهیچ‌وجه عمیق او با توده‌های زحمتکش مراسم تشییع جنازه اش را به نظر هراتی باشکوه تبدیل کرد. مردم شمار می‌دادند:

علیرضا زنده است، در قلب زحمتکشان عوام ارتجاع و مدیران کارخانه با کمک با داران سرمایه‌داری و کارگری مراسم بودش در محل کارخانه‌ای که در آن کار می‌کرد (کارخانه سیمان سبا) جلوه‌گیری کرده و به این ترتیب با ردیگری نشان را از کارگران آکا ه و وحشتشان را از توده‌ها به نمایش گذاشتند، آری آنان حتی از بزرگداشتن کارخانه کارگران آکا ه نیز هراس دارند. بادش گرامی و خاطره اش جاودانه باد!

مقابله کارگران حفاری با توطئه‌های کارفرما

مقتل از

قسمه محلی پیکار (کمیته خوزستان) شماره ۵

پس از ماه‌ها که از اخراج کارکنان شرکت های حفاری میگذرد و نزدیک به ۶ ماه محسوس در بافت شرکت‌ها اند، قرار شد که شرکت ملی حفاری ایران که مهدی درواسی آن قرار دارد مسلح ۳ هزار تومان به کارگران پرداخت نماید. کارگران شرکت حفاری ریدینگ اندبیتس نیز در تاریخ یکشنبه ۲۵ آذر در محوطه شرکت واقع در کاروان جمع شدند و منتظر دریافت پول شدند. هنگامیکه مهدی به محل شرکت آمد به کارگران گفت که کلیه کسانی که بیشتر از ۵ سال سابقه دارند از دریافت ۳ هزار تومان محروم هستند. این مسئله موجب اعتراض شدید کلیه کارکنان شرکت واقع شد. کارگران شروع به دادن شعار علیه مهدی کردند و شعار "مرگ بر سرما به دار" فغانی شرکت را پر کرد. کارگران میگفتند: با بداول آنها که بیشتر از ۵ سال سابقه دارند پول دریافت کنند، به‌دما در این هنگام مهدی میخواست با توسل به حربه همبستگی سرما به داران یعنی تفرقه و

اختلاف در صفوف کارگران، کارگران را از اعتراض با زدن ماگن کارگران با هوشیاری حربه او را خنثی کردند. مهدی بهیچ‌وجه خطا بهیچ‌وجه شورای کارکنان آنها را مورد تهدید قرار داد و گفت اگر روی خواسته‌های کارگران با فشاری شود آنها را به بندر عباس و سیرجان تبعید خواهد کرد. این تهدید بهیچ‌وجه موجب خشم کارگران شده و مهدی که کارگران مهدی و معاون او و یکی از با داران و ۲۳ کارکنان مزدور شرکت را مورد حمله قرار داده و در یکی از اتاق‌ها حبس کردند و تهدید کردند تا ۳ هزار تومان به کلیه افراد شرکت پرداخت نشود از آزادی کارگران خودداری خواهد کرد. مهدی که در برابر صبر و متحدی کلیه رجه کارکنان شرکت عاجز شده بود با پرداخت ۳ هزار تومان به کلیه کارکنان شرکت موافقت کرد. با ردیگری کارگران آکا ه و قهرمان ثابت کردند که در ما به اتحاد و همبستگی است که میتوانستند به حقوق خود دست یابند. "مستحکم ترین اتحاد و همبستگی کارگران"

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

"نیرو" ویزه" را در کارخانه‌ها مستقر میکنند، هرگونه صدای حق طلبانه‌ای را با حبس و شکنجه و گلوله‌های آمریکایی پاسخ میدهد. قوانین آریا بهی را از زانو شویب و اجبرا میکنند، خلقهای تحت ستم از جمله خلق دلیر کرد را با تمام امکانات و با استفاده از فانتومهای آمریکایی و تانکهای انگلیسی و آمریکا را مورد یورش قرار میدهند، صبا دان مبارزانی را با خاک و خون میکشد، آزادیهای اجتماعی را یکی پس از دیگری مورد حمله قرار میدهد و با لایحه با فریبکاری ها و توطئه‌های با مصلحت ضد آمریکا شتم میکند، شتم از دست رفته را دوباره کسب کند و در پی آن تب رفته را بجوی برگرداند.

امروز طبقه کارگران یک دوره حساس را از سر می‌گذرانند. در شرایط فعلی مسامحه در افشا و طرد توطئه‌های هیئت حاکمه موجب تشبیت حاکمیت سرمایه‌داری و وابسته‌ها میریالیم در ایران می‌گردد. در شرایط فعلی آنچه مسلم است این است که مبارزه کارگران با میریالیم (که پیگیرترین طبقه در مبارزه با میریالیم است) جدا از سرمایه‌داری وابسته نیست. هرگونه تفکیک قابل شدن بین ایندو می‌تواند از نظر سیاسی یک فاجعه باشد. یعنی هرگاه طبقه کارگر میریالیم را جدا از پایگاه آن در ایران که همان سرمایه‌داری وابسته به میریالیم است مورد حمله قرار دهد، بدلیل اینکه پایگاه آن سالم و دست نخورده باقی مانده است در نتیجه میریالیم از دردیگری وادخواهد شد. و با زمین تریب هرگاه پایگاه داخلی میریالیم یعنی سرمایه‌داری وابسته مورد حمله قرار گیرد ولی خود میریالیم فراموش شود با بدان کم‌توجهی شود، بدلیل اینکه ریشه قطع شده است این مبارزه سطحی و بدون شمرخواهد بود. بنابراین طبقه کارگران ایران در کارزار فعلی مبارزه با دشمن مشخصی مواجه است که از همه دیگر قابل تفکیک نیستند و آن میریالیم و در آن میریالیم است. میریالیم آمریکا و سرمایه‌داری وابسته به میریالیم می‌باشد. طبقه کارگران ایران در مبارزه با این دشمن مشخص، چنانکه خواهد نقش حیاتی خود را بازی کند باید هر روز و هر ساعت انواع توطئه‌های را که هیئت حاکمه در جهت فریب و تحمیل توده‌ها انجام می‌دهد و از این طریق سعی می‌کند چهره دشمن مشخص را بپوشاند، افشا نماید و از این طریق ما کفد میریالیمستی هیئت حاکمه را دریده و چهره واقعی آن را به سایر طبقات و اقشار جامعه نشان دهد.

مثلا کارگران مبارز فاسترویلر باید توجه داشته باشند که اضافه حقوقی که به سوپروایزرها (که اکثر کسانی جز حافظ منافع سرمایه‌داران وابسته به میریالیم نیستند) پرداخت شده است و مسلماً با باید هیئت حاکمه بوده است، در شرایطی می‌باشد. هیئت حاکمه سعی دارد با این چنین اضافه حقوقی، طبقه در صفحه ۱۵

بعد از این جریان "یوگای" بیشتر ما از یکی از اعضا شدگان گرگشورا می‌خواهد که کلیه مدارک و پرونده‌های کارگران اخراجی را در اختیارش قرار دهد، تا رده‌ها را پیدا کرده و اگر احیاناً اقدامات خود را در کارخانه‌ای را داشته باشد مانع شود.

روزه شنبه ۵۸/۹/۲۰ شورای کارخانه مجمع عمومی تشکیل میدهد. در این مجمع چند نفر از اعضا شورا که مورد اعتماد کارگران هستند، استعفا میدهند، یکی از این افراد طی سخنانش میگوید: "من بهیچوجه دیگر قدرت کار در این شورا را ندارم، اگر با زهم شما بنده بمانم، از این پس به شما خیانت میکنم!" در این مرحله اگرچه کارفرما موفق شد توطئه‌های خود را در سایه آگاهی کارگران و حمایت شورای شدگان گرگشورا کارخانه عملی سازد اما اخراج کارگران و بستن آن استعفا‌های شما بندگان مورد احترام کارگران و نیز ناوایستی‌های دیگری که موجود است، زمینه‌ساز برای رشد مبارزات بعدی این کارگران!

بی‌تفاوت نبودند، اینطور بنظر میرسد که پس عده (۲۶ نفر) اگرچه در داخل کارخانه مبارزه کرده و به بعضی از خواسته‌هایشان نیز رسیده‌اند ولی مبارزه آنها جدا از بقیه کارگران بوده و نتوانسته‌اند آنها را با خود همگام کنند. عمده‌ترین حاصل این مبارزه جدا از بقیه کارگران اینست که، کارگران یک کارخانه را از اعتصاب آگاهان محروم کرد!

روز شنبه ۵۸/۹/۱۷ بنا به درخواست شورا، "یوگای" که یکی از مهم‌ترین کمیته‌دهی است و در فعالیت‌های شدگان گرگشورا نقش بسیار مهمی داشته و در (امکان ساواکی بودنش هم هست) به کارخانه آمده و در حضور کارفرما و شورای استارلایت صورت جلسه‌ای می‌نویسد مبنی بر اینکه جای هیچکدام از این ۲۶ نفر در این کارخانه نیست و شما اعضای شورا زیر آنرا امضا میکنند و با این ترتیب ۲۶ کارگر اخراجی زیر نظر سه با مدیر سرمایه و مصلح به ۳ تنویه حساب می‌کنند.

بنظر ازمیمه مطی پیکار (کمیته خوزستان) شماره ۵

مبارزه کارگران مبارز فاسترویلر (تهران جنوب) ادامه دارد

دادستان در اجتماع کارگران حاضر شد. وی پس از اینکه سخنانی درباره سلام و مزایای آن زد با حمله به کمیونست‌ها نشان داد که از منافع کدما طبقه دفاع میکند. او بدین ترتیب می‌خواهد تفرقه و جدایی بین کارگران پیدا کند که در این امر خود کاملاً شورش انجام با تمهید اینکه دیگر ۲۵۰۰ تومان می‌کشد سوپروایزرها پرداخت شده، پرداخت نشود و آنچه پرداخت شده است با پس گرفته شود، کارگران متفرق شدند همه می‌دانیم که طبقه کارگر در شرایطی که حاکمیت سرمایه‌داران، هر ساعت و هر روز در معرض انواع فشارهای سیاسی و اقتصادی قرار دارد، سرمایه‌داران در این عرصه مبارزه با دست داشتن انواع امکانات، هر روز سعی میکنند از قبل استشارا کارگران به سرمایه خود افزوده و ابزار تولید بیشتری در اختیار خود گرفته و شتم در هرجه بیشتری را تحت استثمار قرار دهند.

همه میدانیم که چگونه سرمایه‌داران بهنگام بحرانهای موسمی سرمایه‌داری (که در ذات نظام سرمایه‌داری نهفته است) با اخراج کارگران فشارها و خسارات بحران را بدوش کارگران می‌اندازند.

در شرایطی همچون شرایط فعلی ما که سرمایه‌داری وابسته ایران تحت فشار توده‌های مردم و خیل عظیم کارگران و بحران سیاسی - اقتصادی خود در شرایط بحرانی بسر میبرد و طبقه کارگران ایران دیگر حاضر نیست تن به سرباط و ضوابط گذشته بدهد، تا حدی که هیئت حاکمه هر روز اقدامات و توطئه‌های بیشتر ما را در کار می‌بیند تا بلکه این بهمان نحیف و ضربه خورده را سلامت بخشد و در پی آن روابط استثمار گذشته را احیا نماید.

روزه شنبه ۵۸/۹/۲۰ کارگران فاسترویلر مطلع شدند که کارفرما با تالشید دولت، دست به توطئه دیگری بر علیه کارگران زده است و مبلغ ۲۵۰۰۰ ریال اضافه حقوق برای سوپروایزرها منظور کرده است (همان کسانی که اکثر اجری سیاستهای کارفرما در شرکت می‌نمایند). کارگران که زیر بار تفرقه و جدایی سوپروایزرها و روز به بیشتر از روز پیش تحت فشار قرار می‌گیرند، از این اقدام کارفرما به خشم آمده و روز چهارشنبه در محل کارگزیستی تجمع کرده و شروع به افشاکری درباره این توطئه می‌کنند.

آنها بحق و بدستی مطرح کردند که تا سوپروایزرها بیشتر تحت فشار زندگی قرار دارند با کارگران؟! حقوق و مزایای سوپروایزرها زیاده‌اش را با کارگران؟! چگونه در شرایطی که هیئت حاکمه در زمان است مستمعین و مبارزه با مستکبرین می‌زند، با این توطئه‌ها فاصله طبقاتی را هرچه بیشتر عمیق‌تر میکنند؟! ... کارگران فاسترویلر در اجتماع روز چهارشنبه خود را با افراد شورای سازشکار را با طریقتکاری و مطرح نکردن این توطئه با کارگران مورد مواخذه قرار دادند و قرار گذاشتند روز شنبه ۵۸/۹/۲۴ مجدداً در محل کارگزیستی تجمع کنند.

روزی که شنبه کارگران مجدداً همچون روزهای گذشته در محل کارگزیستی تجمع کرده و ضمن انحلال شورا، انتخابات مجددی را ترتیب دادند که بدلیل ناآگاهی توده‌های کارگری به هیئت عناصر سازشکار شورا، عده‌ای از آنها بودند. کارگران سازشکار مجدداً به نمایندگی شورا انتخاب شدند. روز شنبه فردی بنمایندگی از طرف

حق "بیمه بیکاری" هم حق کارگران بیکار است، هم کارگران شاغل

نشریه پیکان که توسط عده‌ای از کارگران ایران ناسیونال منتشر می‌شود در آخرین شماره‌ای که بدست ما رسیده است (شماره ۷) مطلبی را درمربوط به چگونگی شورای کارخانه که در زیر مطالعه می‌کنید:

شورای فرمایشی ناسیونال منحل باید گردد!

ما بدلائل زیر این شورای قلبی را رد می‌کنیم:

۱- اینکه اکثریت افراد شوراهای کارمندان عالی رتبه و سرپرست‌ها و بلورآبی‌ها و بلوگویی‌ها هستند.

۲- اختیارات شوراهای غیردموکراتیک بوده است یعنی وقت به کارگران ندادند که فکر کنند یا اینکه نماینده‌ها بدو از گذشته خود حرف بزنند تا کارگران بتوانند نماینده واقعی خود را انتخاب کنند عوامل کارفرما فقط یک دقیقه فرصت می‌دادند که یک نفر برسد و صحبت کند. بدین ترتیب آنها عوامل خود را جلو انداخته و دست‌آخیز اختیارات را بکنج خود شام کردند.

۳- آقای جمیع‌حسینی که هم مدیر سندیکا و هم رئیس شورای است جزو عوامل کارفرماست و وی کارمندان کارخانه است و در گذشته معاون صرقتی جلاد رئیس اختیارات بود که در دوران طاغوت جماعتی در دست کارفرما برای سرکوبی کارگران بوده است. چه جای آنکه او را از کارخانه بیرون کنند رئیس شورا و مدیر سندیکا شده است.

۴- اینکه تاکنون که چند ماه از تشکیل شورای کارخانه می‌گذشته است شورا هیچ کاری برای کارکنان انجام نداده است و همه چیز را بکنج کارفرما و سرمایه‌داران شام کرده است. عشا هر کارگر را هم ضروری‌جا وام‌مسکن می‌خواهد باید برود تنی‌هف، حالا کی شویت به او و برسد معلوم نیست، یک سال، دو سال یا بیشتر کسی نمی‌داند. و با خیلی چیزهای دیگر که شورا یعنی اکثریت عوامل کارفرما جلوس کارکنان استاده است. ما می‌خواهیم این شورای فرمایشی منحل شود و از نو انتخاب آزادانجام بگیرد تا کارکنان نماینده واقعی خود را انتخاب کنند و شورای واقعی تشکیل شود.



حرف‌های زحمتکشان

اثریاریات زحمتکشان

بردن قیمت اجناس دوباره پس بگیرد. ولی خواهی‌دید که کارگران چون دیواری از آهن مقاومت خواهند کرد. در زیر شاه و در قاضون طاغوتی وزارت کار، این سودویزه‌ها زعفر تا ۲۰ درصد از کل سودخالص کارخانه‌ها گرفته‌اند است. آقایانی همچون بنی صدر در اوایل خرداد از پشت را دیو در آستان دیوم کارگران جنوب شهر مخترانی میکردند و میگفتند که تقسیم سود ویژه‌ها بدینجهاد- چنانچه باشد. ولی اکنون که قدرت را در دست گرفتند، می‌خواهند این سود را که دستمزدها است با پمال کنند. با پاسد به حقوق ما اضافه سودی سودویزه‌ها را برداشت گردد. ما می‌خواهیم هم کرد متحد و یکجا رجه بر علیه کارگرهای سرمایه‌داران (۱).

(۱)- "شورای انقلاب" از ترس مقاومت و عکس‌المعمل کارگران فعلا و بطور موقت تصمیم گرفت که در سال جاری سودویزه‌ها برداشت شود.

علیه پیکانی عملی‌انقلابی خواهند میشد و حتی برای آن از حالا مدت زندان را بنشینند و کرده‌اند. طبق تصویب ماده ۹ قوانین "جرایم خدا انقلاب" توسط شورای انقلاب برای کارگران آگاه و اعتمادی از ۲۰ تا ۱۰ سال زندان شمشیر میشود.

طبقه‌ها که تحت این عنوان که ما اکنون حشول‌ها رژه‌ها امپریا لیسیم آمریکا هستیم حیوفا هدا کارگران را فریب داده جلوی حصار رژه آنها را بر علیه سرمایه‌داران بگیرد. ولی ما می‌گوئیم سرمایه‌دار علیه امپریا لیسیم بدون مبارزه با سرمایه‌داری وابسته‌شمار می‌بویج است و شو- خالی و تا قطع کامل حلقه امپریا لیسیم می‌امپریا لیسیم آمریکا و ناپودی سرمایه‌داری وابسته‌زای نخواهیم نشست.

شماره اول وحدت کارگری "نشریه کارگران مبارزمینو" اخیراً منتشر شده است. در این شماره مقالاتی دربار ضرورت انشأ و نشریه سودویزه آمده است. ما قسمتی از یک مقاله را در زیر می‌آوریم:

سودویزه

رژیم حاکم سعی در پشت‌گوش انداختن "سودویزه" در پس پرده‌ها و دبا این عنوان که اکنون که کارخانجات ملی (بخوابید و ولست) شده است و کارخانجات مال خودشان است (بخوابید مال دولت است)، دیگر لزومی ندارد سودویزه بگیرد... بدین ترتیب بخشی از دستمزدها را که نام سودویزه بر آن گذارده اند با پمال کند. نظام حاکم که از اغافه کردن دستمزدها چندان دل‌خوشی ندارد و سعی میکند آن چند راز را که به حقوق ما افزوده است، از طریق حذف سودویزه سالار

شماره ۷ "پیکان" نشریه عده‌ای از کارگران ایران ناسیونال اخیراً منتشر شده است. در این شماره مقالاتی تحت عنوان "قانون اساسی خبرگان زنجیری است برای زحمتکشان!"، "شورای فرمایشی ناسیونال منحل باید گردد"، "منه‌ا و با شان و عوامل سرمایه‌خانه کارگر"، "شورای انقلاب برای کارگران شاخ و شانه می‌کشد" و... آمده است. ما یک مقاله و همچنین قطعه‌ای از این شماره را در زیر می‌آوریم:

شورای انقلاب برای کارگران شاخ و شانه می‌کشد

برادران کارگر! جبر و جنایات به اصطلاح خدا امپریا لیسیتی هشت‌هکمه‌ا ما دارد بدون اینکه هیچ قدم عملی در راه نابودی سلطه امپریا لیسیم یعنی سرمایه‌داری غارتگر جهانی برداشته شود. وقتی هم که توده‌های زحمتکش و معروم میهن‌مان امیدشان از دولت قطع میشود، و خود بخوابند امپریا لیسیم و پایگاه آن یعنی سرمایه‌داری وابسته تمسک به حساب انقلابی بکنند، دولت با کمیته و پاسدار و ارتش سر میرسد و فریاد "خدا انقلاب"، "ای خراسا" به آسمان بلند میشود و سرمایه‌داری را مفتخور و وابسته "حرام" و "خلاف شرع" اعلام می‌کند. بهمین خاطر هم شورای انقلاب در بهام ۸/۲۶ خود هرگونه تظاهرات و اعتصاب و تحصن و هرگونه مبارزه را از جانب کارگران ممنوع (اعلام) میکند. به این ترتیب سرمایه‌دار کارگران بر علیه عظیم و مستم کار- فرما بان، سرمایه‌داری کسب حقوق منافی و



**گرامی باد صدمین سالگرد تولد
فرزند پرولتاریای روسیه
و رهبر کارگران جهان،
رفیق کبیر ژوزف (یوسف) استالین!**

قانون اساسی "خبرگان" زنجیر است به پای زحمتکشان

گزارشی از درگیریهای اخیر زاهدان

هما تگوت که پیش بینی می شد خوانین بلوچ با هندستی "حزب اتحاد المسلمین" از یک طرف و جاسوسان سیستان با شاه نظامی که عمدتاً همان سپاهداران می باشد از طرف دیگر، مردم زحمتکش بلوچ و سیستانی را به برادرکشی کشانیدند، تا درجه قدرت و ولایت شان را در حفظ و نگهداری امنیت در منطقه به اربابان نشان نشان بدهند. نتیجه چنین جنایات بیشترمندی حدای ۱۴ نفر کشته و ۸۰ - ۷۰ نفر زخمی و بالاخره از همه مهمتر ایجاد نفرت و سوءظن زیاد بین توده های سیستانی و بلوچ است.

روزی چهارشنبه ۵۸/۹/۲۸ در اطلاعیه ای که از طرف "مولوی عبدالعزیز" رهبر حزب اتحاد المسلمین" مادرشد از "کلمه" برادران سیستانی و بلوچستانی و سایر برهمنشینان دعوت گردیده بود که جهت اجتماع سفنان "دکتر بزدی" (دکتر بزدی نما بنده) آیت الله خمینی بنامه دعوت "مولوی عبدالعزیز" جهت رسیدگی به مسائل منطقه به زاهدان آمده بود. در روز پنجشنبه ۵۸/۹/۲۹ در محل عیدگاه واقع در انتهای شمالی خیابان آزادی شرکت نماینده.

در روز پنجشنبه مردم بلوچ سوار بر اتوموبیل های باری و وانت و... از ساعت ۶/۵ صبح بطرف عیدگاه رفته و دانش آموزان و دانشجویان بلوچ نیز با راهپیمایی از جلوی دبیرستان رحیم بخش واقع در قسمت جنوبی خیابان آزادی بطرف عیدگاه با شعارهای بلوچستان مٹی ملک اشته، و تواجی مٹی حک (بلوچستان سرزمین ما ست، خودمختاری حق ما ست) قانون اساسی نا کانت (قانون اساسی نا حق است) - پشنگرین پاسدار بدرکب چه مٹی ملک شئی (پاسدار فتنه گر، از سرزمین ما بر روی برون) مرگ بر آمریکا، مرگ بر آمریکا مرگ بر ارتجاع و... حرکت نمودند. این گروه در حدود ساعت ۸/۲۵ صبح بدخل محوطه عیدگاه رسیدند قبل از آن تعداد زیادی از گروه های مردم بلوچ تجمع کرده بودند و در حال گوش دادن به سخن "مولوی مدنی" بودند. در قسمت غرب عیدگاه روی تپه در حدود ۷۰ نفر مسلح (و آبسته به جبهه) جدیداً تاسیس مقامت بلوچستان - این جبهه بوسیله خوانین مزدور و ملاهای مرتجع و روشنفکران خود فروخته بنیان گذاری و افراد مسلح آن بصورت مزدور در خدمت این جبهه قرار دارند. این اولین بار است که نام جبهه در منطقه معرفی می گردد و بنظر میرسد که جبهه مقاومت بخش نظامی حزب اتحاد المسلمین را تشکیل می دهد. در درون سنگرهای که در روی تپه وجود داشت قرار داشتند. در پیروزی بلاکارهای ازجبهه مقاومت بلوچستان، حزب اتحاد المسلمین، و دانش آموزان و دانشجویان بلوچ به چشم بسته در صفحه ۸



خانهای درباری به کمک روحانیان مرتجع در مقابل دهقانان راهپیمایی جوانان زابل در دفاع از منافع دهقانان

اینگونه حرکات (مادره اموال خوانین) بوده است. همچنین گندمهای مادره شده "حبیب الله خان و علیخان سارانی" که در اختیار اداره تعاون و امور روستاها قرار داده شده بود تا بصورت وام در اختیار زارعینی که فاقد بذرسود و در جریان خشکالی ۳۰ ساله منطقه "میانکنگی" از زراعت دست کشیده بودند توزیع شود، عمل خلاف شرع اعلام توصیف می شود. عملیات بعدی که بدنبال این مذاکرات صورت می گیرد حاکی از این است که به پاسن سرپرستان اختیار را به بیشتری داده شده است زیرا آقای "ابراهیم پردلی" که مدت ۱۰ ماه فراری بوده و حکم جلب او نیز صادر شده، آزادانه در ملا عام ظاهر می شود. همچنین چند روز پس از این ملاقات یعنی در مورخه ۵۸/۹/۲۲ در ده "فجر" بین عوامل "حمید با رانی" کارمند سازمان آب که ما مورسا واک منحل و از سرپرستان رژیم شاهن بنده است و تعدادی از دهقانان که از ظایف "سجرائی" بوده اند به خاطر کشت زمین های مادره شده درگیری صورت می گیرد که در نتیجه عوامل "بارانی" اقدام به تیراندازی می نمایند و در نتیجه ۲ نفر از دهقانان مجروح می شوند که هم اکنون در بیمارستان زابل بستری هستند.

بدنبال این حرکت ها سرپرده رژیم منفور پهلوی از طرف جوانان مسلمان سیستان در روز شنبه ۵۸/۹/۲۲ دعوت به راهپیمایی می شود که شرکت در این راهپیمایی از طرف روحانیون از جمله "سید محمد تقی حسینی" تحریم می شود ولی عناصر آگاه به تحریم آنها توجه ننموده و علیرغم تحریم آنها راهپیمایی صورت می پذیرد و دبیرستانها و مدارس تعطیل می شوند. راهپیمایی از مسجد "حسین آباد" شروع و پس از گذشتن از خیابانهای آیت الله طالقانی خیابان شهید باقری و امام خمینی درجهای راه شهر، قطعنامه خوانده می شود. شعارهای این تظاهرات به قرار ذیل است:

"زیر بارستم نمیکنیم زندگی، جان فدا می کنیم در راه آزادی - مرگ بر خوانین، مزدوران خون آشام - چه با لگد چه با مشت، خوانین را با بدکشت - چه با لگد چه با مشت، ابراهیم پردلی را با بدکشت - اعلام پیروز است، دیکتاتوری نابود است - خوانین و برانگرا اعدام با بدگردد، سیستان و ویزانه

بقیه در صفحه ۸

بدنبال اعلام مادره اموال تعدادی از خوانین "سیستان" از طرف دادستان انقلاب (۳) سیستان و بلوچستان تعدادی از خوانین و سرپرستان رژیم منفور پهلوی که از مدتها قبل فراری بوده و تحت تعقیب قرار داشتند روانه "ترکز" می شوند. این افراد عبارت بودند از: ۱- محمدرضا خان پردلی که بدلیل اینکه در جریان نهایی ۱۹ بهمن ۱۳۳۲ از مخالفین محسوب می شده است خود را چهره ای مبارز میداند. و با استفاده از این موضوع درصدد بهره برداری می باشد ولی همکاری وی با رژیم پهلوی از سالهای ۲۰ به بعد برهنگان روشن می باشد. ۲- ابراهیم خان پردلی - نماینده چند دوره مجلس و همچنین آخرین نماینده در مجلس شاه. ۳- محمد حسین خان ناروشی ضابط بنده چند دوره مجلس شاه. ۴- غلام حیدر خان ناروشی. این عده "ممدخان پردلی" را به نمایندگی از طرف خود نزد "آیت الله خمینی" فرستاده و جریان مادره زمین های خود را با وی در میان می گذارند و آنچه در زیر می آید مشخص کننده این می باشد که توانسته اند برگ برنده ای بدست آورند.

بدنبال این ملاقات با امام در تاریخ ۵۸/۹/۲۰ این عده و همچنین بقیه خوانین سیستان از جمله "حبیب الله خان سارانی" و "علیخان سارانی" در منزل "آیت الله حاج آقا بزرگ طباطبائی" برابر "صدرالدین طباطبائی" جیره خوار "آیت الله علم در زابل در حضور نماینده امام "حجت الاسلام شاهرودی" ملاقات می نمایند که نتیجه ملاقات آنها محکوم نمودن

(۳) - "بسی نهاربان" دادستان انقلاب سیستان و بلوچستان بخاطر یک سری موضع گیری های قاطع درباره خلع ملایح خان ها و اقدام به تقسیم زمین بین روستائیان مورد تأیید اقشاری از مردم فقیر منطقه می باشد. ایشان دوهفته پیش بملت مخالفان خان ها و درگیری های که با دولت داشت از سمت خود استعفا داد و علت این استعفا، روشن نبودن مواضع دولت و شورای انقلاب نسبت به خوانین و فئودال های منطقه توسط ایشان قید شده بود. (پیکار)

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

جنبش دهقانی



طوفان شمال آرامش ندارد

● یک روستای خطاب به پاداران: شما اگر خودتان را "حاجی" "حاجی" می‌نامید، پس چرا "حجرات" زمین‌داران خونخوار روستا آمده‌اید؟
● دشمن دهقانان، یعنی زمین‌دار روستای امیرآباد از طرف فراماندار و بیخ‌داران به عنوان نماینده در شورای کثا ورزی مرکز اختفا شده بود؟

روستائیان بومرنگ بر علیه زمین‌دار کمیته چی می‌روند

روستای "بومرنگ" در ۲ کیلومتری شرق آمل قرار دارد. حدود ۹۰ خانوار در این روستا زندگی میکنند که ۵۵ خانوار آن بی زمین هستند. بیشتر اراضی این روستا، در زمان رژیم سابق به دست سرمایه‌داران و تجار شهری افتاد. پس از قیام و سرنگونی نظام مملکتی، دهقانان با راهی به مراجع "قانونی" جهت بازپس گرفتن زمینهای که در زمان رژیم شاه و آنها گرفته شده بود، شکایت کردند ولیکن همگی سواست. سایر موارد: "آزاد" "مراجع قانونی" چیزی عاید دهقانان بی زمین و محروم نشد روستائیان زمینشان را وقتی که از این درجه ناامید می‌شوند تصمیم می‌گیرند که از گشت زمین شویط مالکین معارضت کنند. یکی از این مالکین "شمسی" رئیس زاده "آزاد" می‌باشد. این کمیته اصل و کسی که پرونده‌های بسیاری در مقامی غفلت... داد می‌باشد که صاحب ۱۵ هکتار زمینهای این روستاست. شمسی رئیس زاده وقتی اقدام جدی دهقانان را یعنی سرکشی و گشت زمین شویط آروا بر مالکین می‌بیند، با استفاده از امکانات خود در کمیته و سپاه پاداران، در روز دوم آذرماه به اختفای پاداران و یک تراکتور به دهی آید و مسئول گشت زمین می‌شود، اما با مقاومت مردم روستا می‌شود و در پی آن پاداران شروع به شلیک هواپیما می‌نمودند و در دهقانان را دستگیر می‌کنند و به زندان می‌برند. با استفاده از وجود پاداران در ده در طرف دوروز زمین را شخم می‌زنند و پس از دوروز دهقانان مبارزان آزادی می‌نمایند. اما این اعمال خاشری بر اراده روستائیان نگذاشته و آنها همچنان به مبارزه خود برای بازستاندن زمین ادامه می‌دهند و در طی همین مبارزه روز بروز مبارزه است خدقلی و فداانقلابی حثیت‌ها که گنونی-وم- چنین نقش "پاداران انقلاب اسلامی" و کمیته انقلاب اسلامی" می‌گیرند.

زمینداران نیست؟
آنگاه شویط گفت که به پاداران رسید آنان با ترس و لرز و جاپلوسی از روستائیان غمگین وارد مسجد شدند. چون روستائیان اجازه حرف زدن به آنها ندادند، یکی از زمینداران شروع به پاداه سازی نمود و گفت: من یک فرد کثا ورزم و از طرف فراماندار، بخشداری عنوان می‌نماید در شورای کثا ورزی مرکز (شهران) انتخاب شده‌ام و سنا فاع شما کثا ورزان دفاع می‌کنم. من تا بحال خیلی کارها برای شما انجام داده‌ام.

این جلسه که در حقیقت از مجلس محاکمه زمینداران بود، یکی از کثا ورزان پاداه بقیه در صفحه ۸

در عطفی منظم به سراغ زمینهای مزروعی رفته و آنرا به تصرف دسته جمعی خود درآوردند. آنها کلیه وسایل کثا ورزی سرمایه‌داران را از قبیل کمپاین، تراکتور... پس از صورت‌سرداری ضبط نمودند.

حرامی‌ها را از دولت فعلی و پادار خود می‌بینند و خوب میداند که فرمان آیت الله خمینی که در آن کثا ورزان را از صفا دره زمینهای زمینداران بزرگ منع کرده و لایحه شورای انقلاب که حتی تا حد اعدام برای روستائیان حق طلب‌ها زات خصم کرده است به نفع آنهاست، در مقابل این عمل متحدانه زمینکشان روستا بیگوار ننشسته و جهت طلب کمک به کمیته‌های منطقه رجوع کردند. حال که از این بود که آنها همراه با پنج پادار مسلح بعد از ظهر ۱۳/۹ یعنی همان روزی که دهقانان مزارع را به تصرف درآورده بودند و در روستا شدند.

زمینکشان روستا از اجیرآباد که در حال کار بر روی زمینها بودند، با شنیدن این خبر به غم آمده دست از کار کشیدند و شعارگویشان به روستا آمده و کثا ورزان و سرمایه‌داران گذشته و از دست کشیدند.

روستائیان که تصرف زمینها را حق خود می‌دانند و رژیم فعلی را حرام می‌دانند، در این محاسبت، در صدد برآمدن از حقوق خود در مقابل پاداران و سرمایه‌داران دفاع کنند. آنها بدین منظور ابتدا پاداران را به مسجد فراخوانده و شروع به صحبت با آنها نمودند. یکی از پاداران گفت: شما باید از طریق قانون زمین بگیری، شما با این وضع نمی‌توانید کاری بکنید. یکی از دهقانان بی زمین در پاسخ به پادار و طریق قانونی را که روستائیان در طی ۹ ماه گذشته دنبال نموده‌اند و بی فایده‌ای برای پاداران توضیح داد.

پس روستائیان دیگری شروع به سخن کرده خطاب به پاداران چنین گفت: شما اگر خودتان را حرامی و بی‌بشماران می‌دانید پس چرا همراه زمینداران خونخوار روستا آمده‌اید؟ با این عمل شما شما با نگرمانت شما از

روستای امیرآباد در ۱۲ کیلومتری آمل قرار داشته و از توابع شهرستان نور می‌باشد. این روستا دارای ۳۳ خانوار است که از این میان ۲۳ خانوار بی زمین و ۱۰ خانوار کم زمین هستند.

زمینهای زراعی این روستا قبیل از "اطلاعات ارضی" در اختیار شاه‌خان قرار داشت که پس از اطلاعات کثا ورشی مذکور به دوفروز زمین‌دار و بزرگ بنامهای محمودنادر و فرج‌الله خورزاده فروخته شد.

جنگلهای متعلق به این روستا حدود ۳۰۰ هکتار می‌باشد که توسط سرمایه‌داران ناحیه دریا لایحه سرمایه‌داران را توصیف دیگر به حاجی فرهنگ درویش، اعدا لایحه‌دهی، عباس سالاریان فروخته شد که اینان نیز با نبود جنگل، آن را به زمین زراعی "دیمی" تبدیل نمودند.

پس از این عمل خانوار کثا ورز سرمایه‌داران صاحب زمین، زمینهای "آبی" بصورت نصفه کاری در اختیار خوش نشینان روستا قرار دادند و در زمینهای دیمی خود بطریق روزمزدی-خمسروزی کار زمینکشان روستا را اشتغال نمودند. اعتراض دهقانان در برابر روزمزدی و جاپلوسی سرمایه‌داران در شرایط سخت خفا و ترورهای ۲۰ در منطقه خفه شد. و سرمایه‌داران همچنان به بهره‌کشی بی‌رحمانه خود از زمینکشان روستا تا اوگیری تازه جنبش شده‌ها ادامه دادند. روستائیان قهرمان "امیرآباد" در اوایل بعد از قیام مسلحانه به زمینهای مزروعی گرفتند و پس از نشستهای با روستائیان اطراف در صدد برآمدن پیکار را از طریق "قانونی" دنبال می‌نمایند. وجهت پیکار نامه‌ها می‌به دفتر امام بنفست وزیر و وزیر کثا ورزی فرستادند، که حاصل این نامه‌ها ۸-۷ ماه "صبر و انتظار" بهیوده و خالی از جواب بود. روستائیان که در عمل دیدند دولت فعلی خواهشهای عادلانه‌شان "جوابی" نداد و با صبر و حوصله کار درست نمی‌شود، در روز سه‌شنبه ۵۸/۹/۱۳ بصورت دسته‌جمعی و چوب‌داس بدست

کار برای کارگران، زمین برای دهقانان

بقیه از صفحه ۶

گزارشی از درگیریهای ... می‌نمود. بعدها با بیان سخنان "مولوی مدنی" سردار مرتجع و معروف "عبدالله گمشا دزهی" شروع به سخنرانی نمود (تا میرده یکگی از گردانندگان نظرات موافق قانون اساسی در زمان بختیار خود فروخته بود. (بعد از سخنرانی وی یکگی از دانشجویان بلوچ شروع به سخنرانی کرد و در طی آن با آذوری نمود که ... خود مختاری خلقها با بدرقا نون اساسی گنجانده شود. سخنان وی بیشتر افشگری از حرکتهای بنیاد ارتجاعی هیت حاکمه در کردستان ترکمن صحرا، بنفذه و بلوچستان و غیره بود. ... بود تمام سخنان او توسط توده مردم بلوچ با گفتن صحیح است، مورد تائید قرار میگرفت. پس از اتمام سخنرانی نما بنده دانشجویان یکی از دانش آموزان بلوچ پشت تریبون قرار گرفت و افتا گریه‌های درمورد اسناد اروپا و ... نمود. در ضمن سخنان او گروهی از افسران و سیاستمداران در زیر پوشش "جامعه سیاستمداران" شعار "پادار، پادار خدا نگهدار" می‌گفتند، می‌گفتند دشمن خونخواه "و شما را شایسته استادار ... علیه دانشجویان و دانش آموزان و افشار مرتزقی بلوچ موضع گرفتند. در این میان ناگهان از سمت چپ عیدگاه عده‌ای ناشناس بطرف جمعیت سنگ پرتاب میکنند و دنبال آن تیر - اندازی از اطراف مردم شروع میشود. بنظر میرسد که تیراندازان همان افرادی باشند که قبلاً در سنگرها روی شبه موضوعی کرده بودند. علاوه بر این عده‌ای از افسران و سیاستمداران پاداران که بطور مسلح در بین مردم می‌گشتند اقدام به تیراندازی میکنند. در این موقع که متینک بهم خورده بود، مردم سر اسیمه فرار میکنند، در حین خروج مردم از "عیدگاه" بی‌ملیت از دام دو نفر گشته و عده‌ای زخمی می‌گردند. بلوچها و جمیع مقامات بلوچستان در عیدگاه "مولوی عبدالعزیز" خبا با تیر می‌شمارند و به پشت با مهارت و سنگرمی‌گیرند. پاداران در محل استقرارشان در میدان آزادی و مرکز شهر

بقیه از صفحه ۱۷

"شورای انقلاب" با تصویب قانون سود ...

تصویب قانون این چنینی سود و بهره‌ها را از طرف شورای انقلاب، از یک طرف نشاندند و فشار جنبش مردم را و جگر بیدار کردن و توده‌ها است و از طرف دیگر نشاندند که ما بهیت فدکا رگری رژیم حاکم می‌باشد.

رفقای کارگر:

ابتدائی ترین کار که جهت احقاق حق - خود در این زمینه، داشتن شور با سندیکای واقعی خود می‌باشد. با توجه به اینکه شوراهای سندیکا‌های غیر واقعی کارگران، طی ۱۰ ماهه فعالیتشان بخوبی در نزد کارگران افشا شده است. با افشگری پیرامون سود و بهره‌ها و این موضوع که این شوراهای سندیکا‌ها نمی‌خواهند و نمی‌توانند حقوق حقه کارگران را از حلقوم سرمایه‌داران بیرون کنند، اقدام به تجدید انتخاب و تشکیل شوراهای سندیکا‌های جدید خود نمایند. شوراهای سندیکا‌های کارگران از جمله سازمان‌های شوه‌ای کارگری است که در مقابل سورش فدا انقلاب می‌توانند نقش مهمی را ایفا نمایند.

و جامعه سیاستمداران در محل حسینیه سیاستمداران و محله با بیان سنگرمی‌گیرند. در این روز در راه به با همین سنگرمی‌گیرند و حرکتها چندین نفر کشته و زخمی میشوند که به بیماران رسانا جهت مداوا اعزام می‌گردند.

(۵۸/۹/۳۰ جمعه)

در این روز نیز سنگرمی‌ها بهمان شکل و بهمان فرم روز قبل با قیمت، عنا و مشکوک در این روز بطرف مردم عادی تیراندازی و فرار می‌نمایند (بوسیله ماشین سیمرغ) که در این تیراندازی‌ها و حشای عده‌ای به و زون ... کشته میشوند مردم از ترس به خیابانها نمی‌آیند و در حالت ترس و وحشت پسر می‌برند. در اثر تیراندازی حدود ۱۰ - ۱۱ نفر (و شاید بیشتر) کشته و حدود ۷۰ نفر زخمی میشوند از ساعت ۳ بعد از ظهر تا شامی که توسط مولوی عبدالعزیز و آیت‌الله کفمی و یزدی انجام گرفت آتش سبسی اعلام و بنا شد که سنگرمی‌ها جمع آوری شود و نیروهای انتظامی بجای گروههای مردم انتظامات شهر را بهیچید بگردند.

از این روز به بعد شهر آرام است و ارتش در قسمت‌های از شهر مستقر شده است. آتش افروزان کار خود را کرده‌اند، سوختن و دیدنی بین خلق بلوچ و مردم سیاست که به سوگ عزیزانشان نشسته اند به حدی علای خود رسیده است، در حالیکه نه خلق بلوچ دشمن مردم سیاست است و نه مردم سیاست دشمن خلق بلوچ، بلکه یکدیگر را دشمن می‌بینند. خلق بلوچ، بلوچها و هم‌دستان آنها، "سپاه پاداران" هستند که رودر روی خلق بلوچ و مردم سیاست قرار دارند و برای رسیدن به اهداف فاشانه خود سعی می‌کنند توده‌ها را به جان هم بیندازند.

هم اکنون یزدی این سرسپردها میرپا - لبسم آمریکا برای با مطاح "حل مسئله مردم" با مرتجعین چون "مولوی عبدالعزیز" و خا نسا و آیت‌الله کفمی (امام جمعه شیعه‌ها) در منزل مولوی عبدالعزیز رئیس حزب خدا نقلی "تحداد المسلمین" به گفتگو نشسته است!!

شیوه کشتن کارگران به مقابله با رفقای زحمتکش کارگر خود (جمله به خا نه کارگر توسط کارگران کارخانه‌های بنغاز و ویرال موشور و سایر اول بر خور کارگران کارخانه عید - پیرامون برگشتن کارگران از خا نه کارخانه سیرکارو ...) از جمله شیوه‌های است که ضد انقلابیان روی خود اورد و نقش سندیکا‌ها و شوراهای واقعی کارگران در مقابل بهیچ‌سور - های رنگارنگ رژیم می‌توانند بسیار مهم باشد. البته باید در نظر داشت که شوراهای سندیکا‌های واقعی نیز زمانی می‌توانند حقوق واقعی کارگران را تامین کنند، می‌توانند زحمتکاران را بر علیه میرپا لبسم و سرمایه‌داری شکل دهند که بر اساس هدایت و رهشود - های سیاسی - ایدئولوژیک سازمانها و نیروهای م. ل و بطور کلی حزب طبقه کارگر فعالیت نمایند. در غیر این صورت فعالیت ما رزائی شور و ستند - بکاهای کارگری از مضمون و هدف درستی برخوردار نبوده به پراکنده کاری با انحراف در میانه می‌انجامد.

۵۸/۱۰/۶

بقیه از صفحه ۷
طوفان شمال ...

زمینداران بر مدعا را چنین داد: اولاً شما نمی‌توانید نما بنده ما باشد چون که دهقان نیستید بلکه یک زمیندار بزرگ هستید. ثانیاً ما از شما نمی‌خواهیم برای ما کاری انجام دهید، چونکه اگر شما بخوانید که کارهای انجام دهید جز در جهت منافع زمینداران چیز دیگری نخواهد بود ... مالک دیگری که در بر مدعای و پروپی دست کسی از قبلی نداشت، گفت: من حاکم زمینهای خود را طبق روال سابق یعنی بصورت نصفه - کاری در اختیار کشاورزان بی زمین و کم زمین قرار دهم. یکی از روستایان که در آلهای قبل روی زمین نصفه کاری میکرد، چنین پاسخ داد: اینکار را هر زمیندار قبول دارد، چرا که غیر از ما کشاورزان بی زمین، شما کسی دیگری ندارید که روی زمین شما مفتخورا کار کنند و در آخر کار محصول را تحویل بگیرد. نه خیر آقای سرمایه‌دار، شما برای ما دلسوزی نکنید. ما میخواهیم بحق مسلم خودمان که چیزی جز تصرف زمینها نیست، برسیم.

پس از این جلسه حاکم زمینداران و قدرت‌نمایی روستایان در برابر سرمایه‌داران دهقانان خطاب به پاداران گفتند که ما به مقامات مسئول دوا راه روزه ملت می‌دهیم که به این موضوع رسیدگی کنند. زمین در اختیار ماست و سرمایه‌داران حق ورود به آن ندارند. در حال حاضر دهقانان با روحیه‌ای عالی هر روز دسته جمعی در روی زمینها کار میکنند و شیوه درگروه‌های ۵ نفری از روستا پاداری می‌کنند. دادگاه‌ها لوس که در زیر فشار روستایان قبول کرده‌اند یک هفته به شکایت روستایان رسیدگی کند، تاکنون هیچگونه پاسخی نداده‌اند!

توضیح و تصحیح:

در پیکار شماره ۳۴ خبری در مورد مسائل رزات دهقانان "نبارده" (آمل) درج شده بود. این خبر بصورتی که آمده بود نادرست بود و از این باب از خوانندگان پوزش می‌خواهیم و تصحیح خبر را شماره آینده موقوف می‌نمایم.

در اینجا بار دیگر از کلیه رفقا و هواداران که

خبر برای ما می‌فرستند می‌خواهیم که در فرستادن

خبر نهایت دقت و توجه داشته باشند و از برخورد

غلط آمیز پرهیز نمایند.

بقیه از صفحه ۶

خا نه‌ای درباری به کمک ...

آباد با بدگردد دهقان دهقان پیروز است، فتوای فتوای نابود است - سیاست ویرانه آباد با بدگردد، محمد حسین خان سی‌ایمان اعدام با بدگردد.

پس از خواندن قطعه‌ها جمعیت به طرف بیمارستان حرکت می‌کند و پشتپانی خود را از دهقانان بستی شده در بیمارستان، اعلام نمودند. بعد از مدتی جمعیت با همان شعارها متفرق می‌شوند. در قسمتی از این قطعه آمده است: "ما پشتپانی خود را از موضع انقلابی داستان انقلاب نیست به خوانین اعلام می‌نمایم و قاطعانه خواستار بیم کتاب دولت مرکزی موضع خویش را نسبت به معادله و تقسیم اموال و اراضی خوانین و سرسپردهگان رژیم قبلی بین زارعین بوسیله افسراد و سازمانهای دیملاح اعلام نمایم."

دولت سوریه
علیه ایران رای داد

منابع مطلع اظهار میدارند که بهنگام طرح مسئله گروهک‌های آمریکایی در شورای امنیت، دولت سوریه علیه ایران و نیفخ آمریکا رأی داده است.

این مومعگیری بنویس خود ما بیت مشکوک
کما فی اجنالی جرمان طباطبائی - یزدی -
قطب زاده و... را اغشا میکند برای اجماع
بهترین روابط بین ایران و رژیم حافظ آس
خاطر کند خدمت ما آن - حتی علیه انقلاب
فلسطین در جنوب لبیان ترطوطه کند طباطبائی
موریه راتختا کشور انقلابی منطقه بیاصدر در
سالمیک طبق شواقی شاه و حافظ اسدنا همین
او خرم او برین ها و کد پس امنتی - سیا سی
موریه را از ژورن ما بد مند!

امسال
تعداد مهاجرین یهودی
از شهر ویرجیو، کلمبیا،

میکویند و عامل عمدیقا^۱ امرائشیل
یکی حکمهای مالی و تبلیغاتی آمریکا است و
دیگری آنکه چسبا همتر است. چسبا جرئت
یهودیان روسی که غالباً تحصیل کرده و کار آمد
ند، میباشد (مثلاً گداها را جرک، ساجر روسی
بود) اعراب معمولاً بدلیل وابستگیهای که
به شوروی از لحاظ سیاسی و نظامی دارند کمتر
سرودهاشان در مورد این کمک شوروی به
ارائشیل علنی میشود، بهرحال اعرائشیل (۷۹)
خدا دیهودیان را ز شوروی اعرائشیل به
ارائشیل میروند با صورت پشت چسب آن در
کشورهای دیگر عمل میکنند، وگورد را شکست
در سال ۷۳ این تعداد ۳۳۵۰۰ نفر بود. اعر
ائشیل به ۵۰۰۰۰ تنهاجر^۲ است.
بدینست میباشیم که شوروی میتواند
بمیزان بسیار قابل توجهی جلوی مهاجیرت
یهودیان را بگیرد و اما درجا و خوب قراردادهای
چسبا یا آمریکاجیهودیان اجاز^۳ه چسبا جرئت
می دهد.

بیش از هجدهمین شورا و سازمان منشور ملی سازمان
که از سوی خلق فلسطین به رسمیت شناخته شده
شده‌اند می‌باشد. در حال حاضر این سازمان به
عنوان جبهه‌ای است که خط پندگی، سیاسی و
دیپلماتیک خلق فلسطین را پیگیری دارد و از
سوی قریب ۱۱۵ کشور به رسمیت شناخته شده است.
این موقعیت سیاسی به آسانی بدست نیامده و
حاصل وحدت ملی فلسطینی‌ها از یک طرف و مبارزه
مستلزم بوده‌ای. وسیع سیاسی و استفاده از
امکانات مساعد جهانی، از سوی دیگر بوده است.
مهمترین سازمان در دوردن این "جبهه"، الفتح
است که به لحاظ اهمیت سیاسی، نظامی، مالی و
توده‌ای تنوع فقرات سازمان آزادبخش
فلسطین را تشکیل می‌دهد (تقریباً ۷۵ درصد آن)
و رهبر الفتح (با سرعرات)، رئیس کمیته
اجرائی سازمان آزادبخش می‌باشد. وی از سال
۱۹۶۸ به این سمت انتخاب شده و تا کنون بارها
مجدداً انتخاب شده است.

بقية در صفحه ۱۸



همدوش با انقلاب فلسطین تا یروزی کامل

جانبہ از صفحہ اول

بحاطی شمارهای گذشته بکار نیست ازده
حقاله که هر کدام گوشه ای از جنبه های انقلابی
و قهرمانانه خلق فلسطین را منعکس می کرده
است. از دهه های، نوشته های امیرالمیسم و
ارتجاع علیه ابن خلق رزمند و افشا کرده،
در معرفی و حمایت از ابن خلق که ۱۵ سال
است مشغول انقلاب علیه ابن خلق بوده ای را در این
منطقه فروزان نگاه داشته، مصلحتی در اختیار
خلقهای فراوان نگذاشته ام.

در این شماره بطور بسیار مختصر به معرفی سازمانهای عفو و متفلسطین، کم‌درخال حاضر فعالیت دارند می‌پردازیم. آنچه در زیر می‌آید تحلیل نیست بلکه در حد معرفی - کوتاه می‌باشد تلقی شود. تحلیل و معرفی بیشتر را به فرهنگ‌های آینده موکل می‌بخشیم.

۱- سازمان آزادیبخش فلسطین

در سال ۱۹۶۴ (۱۳۴۳ شمسی) حران کشور - های عربی در قاره تصویب کردند که سازمان - بنام سازمان آزادیبخش فلسطین که اداره - نما جنگی سیاسی آوارگان فلسطین را عهده - دار باشد، وجود یابد. در طول دهها سال جنگ - بین دشمنان تصویب شده بود که سازمان - کمال انگلیس و آمریکا به وجود آید. این - طرف و خلق فلسطین از طرف دیگر صدها هزار نفر - از مردم فلسطین از وطن خود رانده شده به کشور - های مجاور یعنی لبنان، سوریه، اردن و یمن - کشور های دیگر پناهنده شده بودند. سوز و آ - عریب که از این نیروی کارزان در داخل - استقبال کرد و با یمنی از سوز و آری فلسطینی - که از وطن رانده شده، به امید همکاری و جلب - منافع بیشتر، احساس همبستگی می نمود. به - تدریج از وجود این همه آواره های و اختلافات - میان اقوام انقلابی احساس خطر گردید با انگیزه - ها نکردن فلسطینی ها در یک چهارچوب رسمی و - در عین حال با خن ناگزیر به قوت شده های - فلسطینی که حاضر نبودند به قوت ملی یا باطل - نوشته های امپریالیسم و صهیونیسم و سکوت - رفتار، آمیزا راجاع عرب گردد، این سازمان - را سازمان آزادیبخش فلسطین را بوجود آورد. از طرف دیگر وجود چنین سازمانی و نفوذ آن - برای تبدیل آنرا به مرکز رسمی یا مدعی مبارزه - با صهیونیسم این موضوع را ایجاد میکرد که - بهتر بتوانند بر نیروی حمایت از این سازمان - مبارزه خلق فلسطین را در چهارچوبی که خود - می خواهند به کار برده، ترا وسیله ای برای اعمال - فشار و متجاوزگشتن از مبارزات صهیونیسم - در آورند.

غلبه‌ی بنیام احمد فقیری بر ایداعات گستره
صبا، مستجاب شد. کارلای خایم، صاحب‌المنافع
بود. حل مسئله فلسطین از طریق مذاکرات و
راه‌های سیاسی آن‌هم در چارچوب جامعه دول
عربی و برای درگیری نظامی احتمالی ایستاد.
تژی خود را یعنی جریحک منظم و قدرتی ارتش
کلاسیک عرب گذاشته بود. این سازمان را سال
۶۴ از روی دولتی‌ای عربی‌ها ساخته‌اند. سیاسی
خلق فلسطین می‌دوستانه به جنگ و روش ۶۴ کار
شده تفود عمر قرار داشت. خبری نظامی این
کارها را شحت عنوان ارتش آزادی‌بخش فلسطین
در کشورهای مصر عراق و سوریه با دگانه‌سازی
داشتند و جوانان فلسطینی شمول خدمت نظام
در این کارها و بر اساس آموزش‌ها و وسایط
کشورهای میزبان خدمت می‌کردند. سلسله
معارضات و شتی هر یک از این کشورها در آن جبهه
از ارتش آزادی‌بخش فلسطین به‌شمول بودودر
و اعم. اینها تا به امروز بودند و ارتش می‌باشد.

ابن حازم بن شریز چوبکچی غیرمتنفذی
همداخت بنام «شیرهای آزادبیش» که عمار
درجه را چوبسپاسات کشورهای غربی و محدود به
آن فعالیت می نمودند (مثلاً انجام مزرعینی
عملیات ابدائی علیه اسرائیل)
هنر آشکشت ژوئن و اوچکوری جنبش
عقابت غلطنی و شهری و ترکیب این سازمان
خفیه پرکرد و صورت جبهه ای «آزادکنده کلان»
از زمانهای انقلابی غلطنی با حفظ استقلال
از زمان خود، در آن شرکت نمودند. کمیتــه
اجرائی: «ابن حازم» را خوارای حلی غلطنی
(که مبتنایه با ولما ن غلطنی است و قیمت ۵۰۰
عقود دارد) انتخاب می نمایند. در این صورت
غیر از زمانهای غلطنی بطور رسمی
نماینده ای از زمانه خط مشی اعلام می آید.



بہا سر عرفات، رئیس کمیٹی اجرائی
ما زمان آزاد سخی فلسطین

زیگراگهای ضد انقلاب و انعکاس يك جانبه آن در صف انقلاب (۲)

حزب طبقه کارگری نمود، ولی در عمل بدنیا ل بورژوازی لیبرال و ستایش از "اقدامات مثبت" او سرگرم بود.

گرایش "چپ" شبه ترؤتسکیستی

کدهرها هنگی بایک خط سیاسی راستا کونومینستی عمل میکرده اول بورژوازی لیبرال را که نیروی خدا انقلابی بودا رتجای خواننده و خه مفوا استخوان مستقیم و غیر مستقیم و بسته به امیریا لیم می شمرد و با ۴۰۰۰۰ بی دخلقی از آن آتزا جزو هیئت حاکمه بشمار آورده و ناچاراً از طرح شماره بیوفی فیزیکی آن بود. (۱) تا دنیا بهمره خط سیاسی راست اکونومینستی با تکیه بر اختلاف فاجعیش کا رگری از کل جنبش دموکراتیک جنبش کارگری را از جنبش خلق جدا کرده و تحت این عنوان که این جنبش از همونی حزب طبقه کارگر محروم است از شرکت فعال در آن سوا می زد.

همگرایش راست و همگرایش "چپ" جنبش شده ای را بحال غلو د گذاشته و عملاً از شرکت فعال کومینستها در آن و ابغای وظایف کومینستی جلوگیری کرده و از این رو جنبش را تحت آن شرایط از همان مقدار محدود (با توجه به بیگانه محدود و نهادر میانه نوده ها) نیز که طبقه کارگر باید - شولوزی آن می توانست بر آن اثر بگذارد، محروم می کردند.

دوره دوم

دردوران قدرت دوگانه لازم بود که کومینستها همچنان به افشا و طرد بورژوازی لیبرال خدا انقلابی پرداخته و با طرح مسئله رتجای شدن آن بخش از بورژوازی لیبرال که قدرت دولتی را بهمره امتحان غیر بوروکرات کمپرا دورهای سابق بدست آورده بود و با ست و تبلیغات دخلقی او را در با زلسازی هر چه بیشتر سیستم را به ادای او بسته و ماشین دولتی غریبه دیده از انقلاب شده ها همه جا شبه افشا کرده و با حمایت مشروط (بسیار مشروط تر از زور و ل) از ارگان های قدرت خرده بورژوازی مرفه سنتی و کمیتسه ها، مالدگا ها انقلاب و ... به حمایت از اقدام ها و اوکی ها و فرمانده ها، خلش ارتش و دیگر مزدوران رژیم سابق و افشای سازشکاری ایشان نسبت به بورژوازی و عملکردهای خدا انقلابی اش در مقابل به پیشرفت انقلاب و سرکوب حرکتها کارگران و زمینکنان و طرح شمار تفسیه کمیتسه ای اسام مستحیل شدن این ارگان را در ارگان قدرت لیبرال - کمپرا دورها به عقیسمی انداختند. علاوه بر این با افشای بیگرایانه ما هیئت سازشکارانه و گرایش خدا انقلابی خرده بورژوازی مرفه سنتی در زندگی روزمره، در نکستن دشوهم شده ها تلاش کرده و با شمار ایجاد دشوهای خلقی بعنوان یک شمار عملی در مناطقی همچون کردستان، ترکمن صحرا و ... اقدام فعالانه در این زمینه و مرا بجا سازشهای شده ای در شمار ایران و دفاع از این نهادهای دموکراتیک، سر نشظه های دموکراتیک در بطن جامعه کمکی کردند.

در اینصورت گرایش راست و "چپ" هر دو در نهایت قدرت دوگانه را نمی بینند اگر چه هر دو بدینوعی از آن سخن می گویند.

گرایش راست از یک موضع تحت تاثیر گرایش لیبرالی با دفاع از دولت در مقابل "عودی کمیتسه های امام، مسئله عملکردهای انقلابی ارگان قدرت خرده بورژوازی مرفه سنتی را در کنار عملکردهای خدا انقلابی اثر در کنار ما هیئت خدا انقلابی و رتجای دولت بظا هولینزال باز رگان نمی بیند و با دفاع از دولت در برابر ارگانهای خرده بورژوازی مرفه سنتی عملاً زمینه گانه شدن قدرت دوگانه را با بنفع قدرت دخلقی تسهیل میکند. (خطابه رفقای فدائی به آقای باز رگان ۵۸/۱۲/۲۴ در کار شماره ۲) و این در حالی است که جریان روبریونسم خروشی "حزب نوده"

ما در مقاله "زیگراگهای خدا انقلاب و ..." در ضمیمه پیکار شماره ۳۴ بطور کاملی به بررسی دلایل بوروکراتیک راست و "چپ" در جنبش کومینستی در دوره اخیر پرداختیم. اینک دنیا به مقاله را در این شماره ادامه می دهیم.

در اینجا ابتدا جمع بندی مقاله پیش و نتیجه گیری از گذشته را مرور می کنیم و سپس بطور مشخص مواضع رفقای اتحادیه کومینستها را مورد بررسی قرار می دهیم.

نتیجه گیری از گذشته

اکنون لازم است قبل از اینکه به برخورد مشخص و مشروح با انحرافات راست و "چپ" در برخورد به حرکت اخیر "عده امیریا لیستی" هیئت حاکمه بهردا زیمو و رتجای ط این نحوه برخورد را با آن خط مشدی که در تمام طول سه دوره انقلاب کنونی گرایش ها و برخوردهای گذشته آنها را به برخوردهای کنونی پیوند میدهد نشان دهیم، مختصراً به جمع بندی برخوردها بشاره راست و "چپ" در سه دوره انقلاب بهردا زیم.

دوره اول: لازم بود که کومینستها به افشا و طرد بورژوازی لیبرال پرداخته و ما هیئت خدا انقلابی آن را برای توده ها افشا می کردند. از خرده بورژوازی مرفه سنتی حمایت مشروط کرده و او را تاجا نشی کمیتسه های انقلابی و افشای تاجا نشی می دادیم و در مورد حمایت قرار داده و با افشای تاجا نشی و سلاش کار رتجای در مملکت از در غلطیدن او به دامن بورژوازی لیبرال و انحراف جنبش در حد توان خویش تا شرمی گذاشتند. جنبش طبقه کارگر را جدا از جنبش دموکراتیک و خدا امیریا لیستی خلق ندیده و از فقدان حزب طبقه کارگر و همونی آن بر جنبش خلق بهر ها کردن و بنفی این جنبش نمی رسیدند بلکه با توسعه خرده بیشتوفا لیت تبلیغی و شروچی موسیلا لیستی و دموکراتیک، جنبش طبقه سیاسی تر کرده و پرولتاریا را بنفش خویش در انقلاب دموکراتیک و خدا امیریا لیستی آگاه می کردند و با تلاش بیگرایانه تشکیلات دهی طبقه کارگر در حد توان خویش بهما متقابل سیاسی پرولتاریا در انقلاب باری می رسانند.

در این دوره گرایش راست از دو موضع ولی بایک ماهیت مسئله افشا و طرد بورژوازی لیبرال را ندیده گرفت و بدون توجه به لیونمیکه بر سیاست و شمارهای خاص طبقه کارگر و تلاش عملی در ابغای وظایف کومینستی به دنبال لهوی از خرده بورژوازی مرفه سنتی و حتی بورژوازی لیبرال می رسید و عملاً توده ها را به بدنیا ل بورژوازی می کشاند.

۱- گرایش راستی که رفقای فدائی با میسر تمام خلقی و با شماریل به و تا شرمی از جریان روبریونستی خروشی، با تبلیغ شمارهای "تیرد با دیکتا توری" و "حاکمیت خلق" در مقابل شمارهای دموکراتیک پرولتاریائی "جمهوری دموکراتیک خلق" و لزوم همونی طبقه کارگر بر انقلاب دموکراتیک و ایجاد حزب طبقه کارگر ... به دنبال لهوی از خرده بورژوازی و بورژوازی لیبرال ترگرم بود.

۲- گرایش راست نیز به تکیه بر کومینستها که از دگماتیک روشنفکرات و اگوسازی از انقلاب چین و با شماریل و تا شرمی از جریان روبریونسم نوپا (سجها نی) منطقی گرفته، با خت سرمانه داری وابسته ایران را با ساخت نیمه مستعمره نیمه فئودال چین اشتباه گرفته و بسته حمایت مشروط از بورژوازی لیبرال خیانت بیشه دست می زد، و از اینرو تغییر عم آنکه در حرف صحبت از جمهوری دموکراتیک خلق و با شمار ایجاد

توضیح

ما در مقاله "زیگراگهای خدا انقلاب و ..." در ضمیمه پیکار ۳۴ در بررسی گرایش "چپ" نام رفقای راه کارگر را در کنار اردو شده اپورتونیت "حزب کومینست کارگران و دهقانان" ذکر کرده ایم که این هیچوجه بمعنای هم ردیف قرار دادن رفقای راه کارگر با این اردو شده اپورتونیت نیست.

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

در این دوره که هیئت حاکمه دست به تاختنیک سرکوب خا شانه خلق کرد زده طی مدت اجرای این تاختنیک از طرف هیئت حاکمه گرایش را است عمدتاً در برخورد با هیئت حاکمه کمتر خود را نشان میداد و جلوه های آن بیشتر در برخورد با حزب و جریانی های سیاسی بورژوا و خرده بورژوا خود را می نمایانده و گرایش "چپ" هم از این تاختنیک هیئت حاکمه بیشتر

● شکل و نحوه برخورد "اتحادیه کمونیست ها" حرفه نظر از شکل گیری روشنتر تهاجمی سیاسی وایدئولوژیک میان ما و آنها، نمی تواند از بروز اختلافات عدیده ای بر سر مسائل مربوط به وحدت جنبش کمونیستی که در "کنفرانس وحدت" شکل گرفته است، جدا باشد. همچنانکه از تظاهرات برخی جنبه های انحرافی و روشنفکرانه رایج در خارج کشور، که ما رزء ایدئولوژیک را مستقیمه از آن دریغ نکرده است و برآورد ما خشن شاعیلات گروچی و فرقه ای و روشنفکرانه و تبدیل آن به وسیله ای برای رقابت با دیگر نیروها و خلقی میکند جنبه ای که "اتحادیه" بدان وابسته است جدا نیست.

حاکمیت فاشیسم را بر ایران تحمیل می گرفت. با اتحاد و مهربان انقلابی جامعه و شکست سیاسی نظامی هیئت حاکمه در سرکوب نظامی خلق کرد و عواقب سیاسی آن خفا های درون هیئت حاکمه نیز شد بدست با انحصار تاختنیک جدید و اجرای آن به استیلا جناح خرده بورژوازی مرفه سنتی، گرایش راست خود را بطرز نسبی بر جسته ای نمود؛ راست و روبرو بینشی های خاش حزب شده ای خاشانه در مرکز گردانی خدا انقلاب و پیرا کردن رسوم ایدئولوژیک خویش پیش از پیش فرست را غنیمت شمریدند.

گرایش راست در اشکال مختلف هجوم خود را آغاز کرد. با استدلال های کودتای "خدا شایسته" خرده بورژوازی مرفه سنتی علیه جناح بورژوازی انحرافی هیئت حاکمه، با زنگشت اما به خط خود و ... حرکت انحراف هیئت حاکمه را خدا شایسته ایست و مهربانی را زبانی کرده و مورد حمایت قرار دادند. گرایش راست از آنجا که پیوستن خرده بورژوازی مرفه سنتی را به هدف خدا انقلاب تشخیص نمی دهد، چنانچه شدن قدرت دوگانه را نمی بیند و هنوز هم برای خرده بورژوازی مرفه سنتی ارگان مستقلی قائل است؛ اگر (از قیامت تا مردلحما) این ارگان مستقل در کمته های اما مدها در گاه انقلاب و ... محتلی نبود، حالا در "ترجمت" شیعه و با حوزه علمیه قم متصل شده است؛ بدین گونه افشا نه "کودتای" خدا شایسته ایست و مهربانی را زبانی کرده و مورد حمایت قرار دادند. گرایش راست از آنجا که پیوستن خرده بورژوازی مرفه سنتی را به هدف خدا انقلاب تشخیص نمی دهد، چنانچه شدن قدرت دوگانه را نمی بیند و هنوز هم برای خرده بورژوازی مرفه سنتی ارگان مستقلی قائل است؛ اگر (از قیامت تا مردلحما) این ارگان مستقل در کمته های اما مدها در گاه انقلاب و ... محتلی نبود، حالا در "ترجمت" شیعه و با حوزه علمیه قم متصل شده است؛ بدین گونه افشا نه "کودتای" خدا شایسته ایست و مهربانی را زبانی کرده و مورد حمایت قرار دادند. گرایش راست از آنجا که پیوستن خرده بورژوازی مرفه سنتی را به هدف خدا انقلاب تشخیص نمی دهد، چنانچه شدن قدرت دوگانه را نمی بیند و هنوز هم برای خرده بورژوازی مرفه سنتی ارگان مستقلی قائل است؛ اگر (از قیامت تا مردلحما) این ارگان مستقل در کمته های اما مدها در گاه انقلاب و ... محتلی نبود، حالا در "ترجمت" شیعه و با حوزه علمیه قم متصل شده است؛ بدین گونه افشا نه "کودتای" خدا شایسته ایست و مهربانی را زبانی کرده و مورد حمایت قرار دادند.

خود ها در این بازی با بورژوازی و سیستم وابسته با هم برپا میسر، شرکت فعال در سرکوب خاشانه نگارگران، خلقها و ... نیروی خدا انقلابی شده و به ما نمی در پیشرفت انقلاب دمگرا تیک و خدا شایسته ایست توده ها تبدیل گردیده است.

ما عیلا در انقلاب بورژوا - دمگرا تیک فوریه تزاریم، ارتجاع و بورژوازی لیبرال (کا دشنا) انقلاب بود، در حالی که در انقلاب اکتبر بورژوازی ارتجاع و دهقانان میان نه حال و خرده بورژوازی میان نه (منشویک ها و اس - ارها) خدا انقلاب بودند. منشویک ها در این مرحله منشویکها و اس - ارها ای خدا انقلابی را نمیتوان نشان بدادگان دمگرا سنی خرده بورژوازی خدا انقلابی افشا و منفرد میگردند. حال آنکه پس از پیروزی انقلاب اکتبر در ماههای ۲۰ - ۱۹۱۹ پرولتا ریا بسمت دهقانان میان نه حال مستگیری نمود و برای خاتمان سوسیا لیسم به "اتحاد مستحکم" با دهقانان متوسط دست زد.

این مطلب نشان میدهد که مسئله خدا انقلابی شدن یک نیرو لزوماً به مفهوم ضد خلقی شدن آن نیست. برای روشنتر شدن مسئله به جزوه "پیرا مسون" فکله ای از ارگان بودند (دعا خبر ۱۹۰۶) از لنین و اصول لیسنیسم فکسل استراژی و تاختنیک از استالین میتوان مراجعه کرد.

از مردم و طبقه کارگر می خواهد که گاهی در پشت سر دولت لیبرالها و کمپرا دورها و گاهی در پشت سر ارگانهای خرده بورژوازی مرفه سنتی جمع شده و بقایای ارتجاع و محمد را شای را درهم کوبند! روبرو بینیم سه جانی نیز همان را که خلق را به حمایت از رژیم برای خروشنی می رود. اما علاوه بر آن که خلق را به حمایت از رژیم برای نابود کردن بقایای ارتجاع و محمد را شای دعوت میکند در سرلوحه این بقایا سوسال امپریالیسم بورژوازی را نیز قرار می دهد. گرایش راست از موضعی دیگر از کمونیست ها می خواهد که در کمته های اما مازدا خل خود کینند و بدون در نظر گرفتن خواسانات شدید خرده بورژوازی مرفه سنتی میان انقلاب و ضد انقلاب در این دوره، این ارگانها را به جای ارگان های دمگرا تیکم انقلابی گذاشته و بدین سان کمونیست ها را به دنیا لهری از آنها خرا می خواند.

گرایش "چپ" از همان ابتدا در پشت راجع صورت یکجانه می بیند و بدون توجه به متناهی سیاسی خاشام و تاختنیک جدید نیروهای سیاسی جنبش هیئت حاکمه پیشین را با تغییر جزئی در قدرت می بیند و با در شکل دیگر از برای از قدرت آن را ارگان خرده بورژوازی مرفه سنتی که رتاجا عی شده است می نامد.

پاره ای از گرایشات شبه تر و شکستی دیگر از طریق معا دلات دیگر مبین جنبه می رسند. یکی اصول آیت الله خمینی را شایسته فصولی هاشی دانند و بدین طریق ساجه "ارتجاعی" و راجع می کنند. و دیگری اگر چه می پذیرد که و شایسته خرده بورژوازی مرفه سنتی است، ولی مطرح میکند که و به محض رسیدن به قدرت شایسته ایست. این طبقه را از دست داده و صورت شایسته بورژوازی کمپرا دور در آمده است.

شکله ای استدلال مختلف است ولی نتیجه گیری عملی آن یکسان است: "خرده بورژوازی مرفه سنتی انحرافی و ضد خلقی است." بدین ترتیب گرایش "چپ" خواسانات خرده بورژوازی مرفه سنتی را خنده و با ارتجاعی از برای کردن و تاختنیک جدید و خواندن آن را و را به حرکت بیشتر میست و خدا انقلاب هل می دهد. نگاری که گرایشات راست ما دنیا لهری از بورژوازی لیبرال و با خرده بورژوازی مرفه سنتی به شیوه دیگری خنک را می کنند.

دوره سوم، یعنی پس از تلفیق "شورای انقلاب" در دولت و یکجانه شدن قدرت دوگانه (ارگان قدرت خرده بورژوازی مرفه سنتی و قدرت دولتی لیبرال - کمپرا دورها) هیئت حاکمه رژیم جمهوری اسلامی ایران تشکیل می شود که همونی آن با لیبرالهای مروج شده است اگر چه خرده بورژوازی مرفه سنتی نیز همرا با بورژوازی کمپرا دور و روبرو و کسرات سابق در این هیئت حاکمه شرکت دارند که همی در سرکوب انقلاب اشتراک تافع دارند. خرده بورژوازی مرفه سنتی بطور عمده چرخش خدا انقلابی اندر این دور ضد خلقی شده است (۲) بدین ترتیب خرده ها برای تحقق آرمانهای انقلابی خود بدون هیچ شکی ناگزیر از سرنگونی هیئت حاکمه ای که بصورت جامع بزرگ رشد انقلاب در آمده و برای حفظ طمع را به و لیز و تاختنیک سالی سیستم را به داری وابسته به امپریالیسم میلحانه رود و زوی آنها استاده است، هستند. امری که در درجه اول به شکست شدن شوها ت بوده ها و خوشبازی آن ها موده و وعده ها و "لوحت" این رژیم بستگی دارد.

(۲) در اینجا لازم است که تفاوت میان ارتجاع و با ضد خلق را با ضد انقلاب روشن سازیم، ارتجاع با ضد خلق عبارت از آن نیروی طبقاتی ای است که در مرحله انقلاب (دمگرا تیک یا سوسیا لیستی) بلحاظ موقعیت سمیتی اش در ساخت اقتصادی - اجتماعی حاد فاع مناسبات کهنه بوده و مانع رشد نیروهای مولده است. حال آنکه ضد انقلاب شامل آن نیروی طبقاتی ای نیز هست که در زمان اعتلا انقلابی مانع رشد نیروهای انقلاب و تحول انقلابی است. ارتجاع خدا انقلاب هم هست ولی نیروی خدا انقلابی لزوماً ارتجاعی نیست. ارتجاع شایسته سیاسی مناسبات کهنه ایست و سرنگونی آن به حد ف استراتژیک انقلاب است. حال آنکه نیروی طبقاتی ای که تحت شرایط منضم بلحاظ پرا تیک و موضع گیری اش در مبارزه طبقاتی برای نابودی انقلاب از طریق منحرف کردن و شای کشاندن آن تلاش میکند خدا انقلابی بوده و با بدیری تحقق هدف استراتژیک مرحله انقلاب تئوریه ای ضد انقلابی آن را خنثی کرده و او را منفرد ساخت.

مثلا خرده بورژوازی مرفه سنتی بطور عمده موقعیت اقتصادی اش در ساخت سرما به داری وابسته و تها راضی منافع با این ساخت تحت شرایط منضم شخص یعنی در دوره دوم انقلاب کنونی ما بلحاظ پرا تیک سیاسی و موضع گیری در مبارزه طبقاتی جامعه (شرکت در هیئت حاکمه، تلاش در بسط کاشاندن

وروبه اعتلای جامعه‌ده است، یکی از این پیچ‌های حرکت سیاسی جامعه می‌باشد. این تحولات سبب گشت تا خطوط سیاسی و بدشولوزیک می‌باشد. نیروهای سیاسی جامعه و پیوندهای کمونیستی با برجستگی بیشتر خود را نمودار سازد. "اتحادیه کمونیستی ایران" از مرزهای نیروهای است که از تاثیرات ناشی از تغییر و تحولات در روشن تر شدن خطوط فکری و سیاسی شان و بروز تغییراتی در آن. بنفع گرایش‌های رادیکالیستی، برکنار شده است. تجلیات این گرایش‌ها رادیکالیستی را در مواضع اتحادیه که البته هیچ وجه زبیه‌نانه مواضع سیاسی و اعتقادی این جریان جدا نمی‌باشد، بروشنی می‌توان در شعارهای اخیر ارگان "حقیقت"، به چشم آورد. شماره ۴۵ بنمید، مشاهده نمود.

● "حقیقت" ... با درک یکجانبه و لیبرالی خود مرز بین انقلاب و ضدانقلاب را مخدوش و توده‌ها را در قبال تانک‌بکشی‌های ضد انقلاب، خلع سلاح می‌کند.

البته پیروان تغییرات معین شده در مواضع سیاسی "حقیقت" انعکاس نداشتند است، بلکه همچنین مایه بروز و پراکندگی روحیات معینی در این "تشریه"، که در شکل و نحوه برخورد با نیروهای درون جنبش کمونیستی و پیوندهای سازمان، ملا، خود را نشان می‌دهد، هستیم. این شکل و نحوه برخورد در نظرمان از آنکه ناشی از شکل گیری روشن تر همین تالیفات و تفسیرهای و بدشولوزیک میان ما و آنهاست، نمی‌تواند از پیروان اختلافات عمده‌ای بر سر مسائل مربوط به وحدت جنبش کمونیستی، که در "گفتار اخیر وحدت" شکل گرفته است و تبلور آن خود را در شکل نامحیی در نحوه برخورد با انتقالی این رقبایاتی گذاشته است، جدا باشد. همچنین نمی‌تواند از تاثیرات ناشی از برخی سندهای انحرافی روشنفکران در خارج کشور، که مایه رزاد بدشولوزیک را به مثابه آزاری در جهت برآوردن ناخشنده ضلایات گروهی و فرقه‌ای و روشنفکرانه و تبدیل آن به وسیله‌ای برای برآوردن رقبای سبک‌گروها، و لاجرم تبدیل آن به وسیله‌ای برای ایجاد تفاوت و تمایز در میان نیروها مورد انتقاد قرار می‌دهد، متأثر نباشد. که البته این دوشی آخری در اینجا مورد برخورد نخواهد بود و در آینده و در موقعیت مطلوب و مناسب با آنها نیز برخورد خواهد نمود.

بهر حال، در ابتدا می‌توانست خطوط اصلی موضع گیری‌های سیاسی "اخیر" "حقیقت" را در قبال تحولات سیاسی جدید در شمارهای اخیر این "تشریه" تشخیص داده است. با استناد به اتحادیه ارگان "اخیر"، بسیار کنیم و سپس در مقالات بعدی به تشریح این مواضع و ریشه‌های عمومی آن بپردازیم.

"حقیقت" در زمانی که هیئت حاکمه در صداست خود را از نوابه‌یون بکشود و یکا به وسیله بیرون آمدن از این انزوا و استعجال را در بهره‌گیری از موقعیت و نقش سیاسی - مذهبی آیت‌الله خمینی می‌داند، سیاست و موضعی را اتخاذ می‌کند که بدین "بهره‌گیری" باری می‌رساند. این نتیجه درست در شمار یکی که همگامی ظاهری بخشی از هیئت حاکمه و ضدانقلاب با جنبش ضد امپریالیستی بوده‌ها، امواج توهم‌نیت به ما هیت و یکا نسیم این همگامی و همداشی ظاهری را در میان مردم می‌پراکند، در شرایطی که توضیح تغییر در تانک‌بکشی‌ها به هیئت حاکمه برای توده‌ها، بخاطر جلوگیری از مخدوش شدن موازین انقلاب و ضدانقلاب، به ضرورتی مبرم تبدیل می‌شود. و بالاخره در شرایطی که در بدین پرده دروغین ضد امپریالیستی از چهره هیئت حاکمه، به وظیفه مهم کمونیستی تبدیل می‌شود، می‌نویسد:

"این مهم‌ترین کده‌های دریا را از این حرکت برای مقاصد خود سودجسته‌اند. آنچه که مهم می‌باشد آنستکه انتظار از مردم را برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا از هر کسی که امروز در اس حکومت قرار دارد، بالا می‌برد" (تاکید از ما است، حقیقت شماره ۴۵).

بدین ترتیب "حقیقت" بر یکی از مهمترین وظایف کمونیست‌ها در این شرایط که اتفاقاً همان جدا کردن "بالا" از "پایین"، توضیح علل بروز چنین حرکتی در "بالا" و مقاصد اهداف کوتاه مدت و دراز مدت آن است، پرده می‌افکند. و با درک یکجانبه و لیبرالی خود مرز بین انقلاب و ضدانقلاب را مخدوش و توده‌ها را در قبال ما نوره و تانک‌بکشی‌های ضد انقلاب، خلع

سخت آخر اینکه، تداوم بحران انقلابی جامعه، شکست تانک‌بک‌سرب کوب هیئت حاکمه در این دوره، انعکاس آن در "بالا" و تشدید تانک‌بک‌سرب کوب هیئت حاکمه، بهیشت و موفقیت‌های جنبش توده‌ای ضرورت تغییر تانک‌بک را ایجاد می‌کند و در همین رابطه اشغال لانه‌ها توسط آمریکا، به ابتکار جناح خرده‌بوروازی مرفه‌یستی برای بند زدن بر بحران انقلابی جامعه و عوام مغربیه و حفظ وادامین زدن به توهم توده‌ها انجام شد. حرکتی که از موضع ضدانقلاب انجام شد و بهیشت وجه خطیت شرقی خواهانه‌ای نداشت. این تغییر تانک‌بک را رقبای فداشی و رقبای اتحادیه کمونیستی با گرایش‌های تداوم خود به کودتای خرده‌بوروازی ضد امپریالیست بر علیه ارتجاعیون و لیبرال‌ها و ایجاد "خط ضد امپریالیستی" انجام "تغییر می‌کنند. آنها خواهان تداوم تداوم بهیشت رادیکالیسم و رادیکالیسم و بهیشتی رویانند و در تانک‌بک‌سرب کوب می‌باشند. در چه نقطه‌ای از زمان و تحت چه شرایطی روی داده است. و به این امر توجه می‌نمایند که "فروریات تکامل جنبش جامعه و تغییر و افاع سیاسی، طبقات حاکمه را بطور عمده و بوروازی را بطور خاص ناگزیر از تغییر تانک‌بک‌سرب کوب می‌کند". تا برای حفظ منافع و فرمانروایی خود شیوه‌های مختلف مبارزه را اتخاذ کنند: شیوه زور، شیوه در کردن هرگونه نرم و شیوه لیبرالیسم که در جهت رفروم و متبازو... قدم بر میدارد، شیوه‌های تانک‌بک‌سرب کوب با هم تمویض می‌شوند و گاهی هم‌مؤثرتهای مختلف در هم ادغام می‌شوند. از این دو گویا می‌رساند، گسترش انقلاب و جنبش توده‌ای را که دیده و بهیشتی دفاع از گسترش انقلاب به دنبال روی از بی‌تداهای ضد انقلاب کشیده می‌شود. بدین گونه است که "حقیقت" گرایش‌های تانک‌بک‌سرب کوب را بهیشتی می‌گذارد. مسئله همگامی را عمده کرده و بدین گونه به تقلید از مواضع رادیکالیسم توده‌ای می‌گراید. گرایش عمده و درجه‌ای ضد انقلاب بهیشتی دیده، به جای مبارزه طبقاتی، به سازش طبقاتی می‌افتد.

این تغییر تانک‌بک را "جبهه‌ای" یا "طریق دیگری" انعکاس می‌دهند آنها انقلاب می‌باشند. جنبش با تانک‌بک‌سرب کوب می‌باشند. ولی شکاف در بالا را نمی‌بینند، اتحادیه نمی‌کنند که هر جنبش انقلابی توده‌ای در پائین، بالایی‌ها را با یکدیگر می‌اندازد و آنها را ناگزیر از تغییر شیوه مبارزه علیه توده‌ها می‌کند.

تغییر تانک‌بک‌سرب کوب هیئت حاکمه در این دوره علیه غیر تانک‌سرب کوب جنبش انقلابی کمونیستی، سرگشتگی‌های بسیار از من زدن و از این نظر اهمیت تانک‌سرب کوب در دنیا امروز بهیشتی: از ناحیه اینها فایده راست رادیکالیسم (جماز نوع، معیشتی و جماعت نوع، خروشتی) و نیز انحراف "جبهه" به تانک‌سرب کوب، جنبش کمونیستی جوان ما را تهدید می‌کند. و اهمیت مبارزه بدشولوزیک را بهیشتی از هر وقت بشما توجه نشان دهد.

زیگراک‌های ضد انقلاب و انعکاس آن در حرکت اتحادیه کمونیستی

... و هر مسئله‌ای که تا حدی "تازگی" داشته باشد و هر تغییراتی در حوادث که کمی غیرمنتظره و پیش‌بینی نشده باشد، ولو فقط سرموشی و برای مدت کاملاً کوتاهی می‌باشد، اصلی تکامل را تغییر داده می‌باشد، تاگزیر و همیشه موجب پیدا شدن انواع مختلف رادیکالیسم خواهد گردید.

(لنین - مارکسیسم و رادیکالیسم) پیچیده تر شدن تکامل انقلاب و گذار از مراحل مهمی چون دوره کنونی سب زدن تر شدن خطوط مختلف سیاسی در جنبش انقلابی و پیوندهای کمونیستی میهمان گشته است. تندپه‌های ناشی از شدت و پیچیدگی‌های جریان مبارزه طبقاتی، همواره بهترین نمک برای شناختن جریان است. صبح از آن صبح، رادیکالیسم و رادیکالیسم و در مجموع تفکیک انواع گرایش‌های سیاسی که خود را زونده‌های فکری و بدشولوزیک متفاوت می‌گردد، می‌باشد. در این تندپه‌های سریع، این رونده‌های فکری و سیاسی بسیار بیشتر و عربان تر از مواضعی که جامعه مسیر آزادی می‌باشد، خود را می‌سازد. تحولات سیاسی اخیر جامعه، که بر اساس بروز زیگراک‌های در مسیر حرکت هیئت حاکم و ضدانقلاب پدیدار گشته است و منجر به تغییراتی در تانک‌بک و روش سیاسی آن در بدین شرایط متحول

همه قراردادهای اسارت‌آور امپریالیستی باید لغو گردد!

مبارزه پرسنل لشکر ۹۲ اهواز با اطاعت کورگورانه

در حالیکه هیئت حاکمه با تبلیغات فراوان دما ز میا رزه با امیریا لیم آمریکا میزند، هر روز در گوشه و کنار میهنمان تا حد اقداماتی هتیمکه بنوعی روشن فرسکاری و رباکاری هیئت حاکمه را نشان میدهد. یکی از آخرین اقدامات ضد خلقی هیئت حاکمه در روزهای اخیر، اخراج و دستگیری سرگرد "پرویز شمار" و همچنین بازداشت تن دیگر از پرسنل لشکر ۹۲ رژی اهواز میباشکه جرم - تا شربهی آزادی کورگورانه و میا رزه با روابط و روابط ارتش میباشکه - امرا و روسای سرسپرده ارتش که متعلمان مزدوری خود را در ارتش ها هشتای بخوبی پس داده اند، امروز در مددند تا هرگونه حرکت متحر- قبا نه را در درون ارتش سرکوب نمایند. ولی در مقابل این مزدوران، پرسنل مبارز ارتش قرار دارند که دیگر حاضر نیستند کورگورانه شن به روابط ارتش ها هشتای بدهند.

پرسنل مبارز لشکر ۹۲ رژی اهواز طی اطلاعیه ای اقدامات ضد انقلابی امرا و ارتش را افشا کرده و اعلام نموده اند که به همراه خانواده خود در حال تحصن هستند و از همه مردم و نیروهای مبارز خواهش میکنند تا با امیریا رزات برحق خود شده اند.

بقیه از صفحه ۲۱
گرا میداشت خاره...

از پای ننشیم و درفش خونینی را که این زقای شهید و دیگر شهدای بخون خفته خلق برافراشته اند، تا رسیدن به پیروزی کامل همچنان در اهتزاز نگه داریم.

(۱) پیام گروه سرود برای رها نشی طبقه کارگر در قسمتی از پیام آمده است:

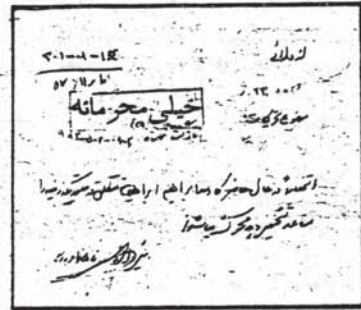
"دوران سیاه دیکتاتوری - فاشیستی رژیم سرما به داری وابسته و در سالهای که همه مملکت اندیشان و محافظه کاران مذهبی، همه نیروهای لیبرال و تسلیم طلب، با به حرم امن سکوت و سازش غریبه و با دربی انباشت توشه ای از پس مانده های جوان بخمای امیریا - لیستی به تجارت و باج دگر را خانه و گرفتار جواز کسب های دانشگاهی روی آورده و با لاف زده - ای هماغاز از مسئولیتهای خطیر انقلابی، گسیدن برانده شو و بدشولوزی پرولتاریا و حیثیت فروشی از قبیل آن را وجه همت خود قرار داده و در روپای سیاسی خود درگاه های رما - تشنگ و جنجال زده روپا دوری زندند.

آری در این دوره فرزندان آزاد و پرشور خلق ما تا آنکه اگر دانش والای سیاسی نداشته، اگر به اندیشه علمی پرولتاریا تا نظور که به صلح نبودند، اگر بیکی از سموات فرهنگی و با بدشولوزیگی جا همه طبقاتی منزله نبودند، اما عشق به خلق را در شربان اندیشه و ذهن بنا شما محبت دارا بودند، از پای ننشستند و در ستمی نابرابر استبداد سلطنتی و با تسلط امیریا لیستی به مقاومت ایستادند.

(۱۲) در این مراسم میهای دیگری نیز خوانده شد. از جمله:

پیام عده ای از کارگران و زحمتکشان ساکن در اهواز، پیام گروهی از کارگران پیکار...

مذکور (نا خدا سوم بوسی) هنوز در پست خود باقی است و به اقدامات ضد انقلابی خود علیه پرسنل مشرفی و میهن پرستان را ادامه میدهد. منتها این مرتبه طبق رهنمودهای چمران و مدنی!



افشاء نکردن اسامی ساواکیها، بازی گرفتن خون شهداست!

کمونیست ها برپای افشای اسامی رژیم گذشته و قتل آنها دیکته ها شنیده اند. "فدا، انقلاب"، "علم بیگانه" و... تا میهم. مردم ما هنوز فراموش نگردند آنکه در مقابل افشای نیروهای انقلابی نسبت به امیریا نظام این سرسپرده آمریکا، چگونه از زگان ها شنیده آنسان شاختند و از جاسوس "سیا" با توصیفاتی چون دوست "سی" تا لقب بهترین دوست "سی" حما پست برخواست.

اما نیروهای انقلابی و توده های خلق بر عکس هیئت حاکمه از هرفرستی برای افشای عوامل "سیا" و مزدوران امیریا لیم استفاده میکنند. و همه ها، به وجهه ها و فعلی ها و تشبیهات رژیم هم آنها را از ایدام حرکت صحیح و بیخفتن با زلفها هدا داشت.

فرماندهان ضد خلقی در رأس کارها

با بگا در پاشی بوشهر:

تا به شماره ۱۶۴ - ۵۱ - ۳۰۱ که فتوکپی آنرا ملاحظه میکنید مربوط به بگا در پاشی بوشهر (دراشی) می باشد که ۱۲ روز قبل از سقوط رژیم شاه در جواب بخشنامه اطلاعات بگا در پاشی ۲۳ (که ضد اطلاعات بگا در پاشی بوشهر) مشخص میگردد نوشته شده است و یکی از کارمندان بگا در پاشی بعنوان محرک به ضد اطلاعات مغربی می نماید.

در سال ۵۷، چهار نفر از کارمندان در اعتراض به اقدامات ضد انقلابی و استقامی ضد و ضد و این امرا پرونده میا رزات کارمندان و گزارشهای نا خدا بوسی علیه آنان به ضد اطلاعات ثابت می نماید. رئیس دارا شکی

سندی را که در زیر ملاحظه میکنید پیدا کردند اسامی ۶۰ قسوه در دهان است که از تهیه ۳۳ نود میس و اکانتال با فته اند. این سند در مقابل اسنادی که رژیم از واک و واکتسل "سیا" درست دارد همچون قطره است در مقابل دریای ولی رژیم که کتا کتون، یعنی در حالیکه بیشتر از ده سال از شکوه میهن ما می گذرد در مقابل خواست بحق توده های میلیونی خلق سرخشی و مقاومت بخرج داده و عملا به امیریا لیم جنبه یکتا آمریکا که اینهمه سر علیه آن شعار می دهد، خدمت کرده. این در حالیکه فقط در رابطه با واکتال می ۲۵ هزار نفر انعطاف آنرا (بقول بی صدر) در دست دارند. هیئت حاکمه هتیمها به خواست خلق و امرا و کتا کتونهای مشرفی و انقلابیون

فهرست		فهرست	
اسم و قبیله	اسم و قبیله	اسم و قبیله	اسم و قبیله
۱- حسن لکازی	۲۱- کریم انبیا	۳۱- حسن لکازی	۴۱- کریم انبیا
۲- حسن لکازی	۲۲- کریم انبیا	۳۲- حسن لکازی	۴۲- کریم انبیا
۳- حسن لکازی	۲۳- کریم انبیا	۳۳- حسن لکازی	۴۳- کریم انبیا
۴- حسن لکازی	۲۴- کریم انبیا	۳۴- حسن لکازی	۴۴- کریم انبیا
۵- حسن لکازی	۲۵- کریم انبیا	۳۵- حسن لکازی	۴۵- کریم انبیا
۶- حسن لکازی	۲۶- کریم انبیا	۳۶- حسن لکازی	۴۶- کریم انبیا
۷- حسن لکازی	۲۷- کریم انبیا	۳۷- حسن لکازی	۴۷- کریم انبیا
۸- حسن لکازی	۲۸- کریم انبیا	۳۸- حسن لکازی	۴۸- کریم انبیا
۹- حسن لکازی	۲۹- کریم انبیا	۳۹- حسن لکازی	۴۹- کریم انبیا
۱۰- حسن لکازی	۳۰- کریم انبیا	۴۰- حسن لکازی	۵۰- کریم انبیا
۱۱- حسن لکازی	۳۱- کریم انبیا	۴۱- حسن لکازی	۵۱- کریم انبیا
۱۲- حسن لکازی	۳۲- کریم انبیا	۴۲- حسن لکازی	۵۲- کریم انبیا
۱۳- حسن لکازی	۳۳- کریم انبیا	۴۳- حسن لکازی	۵۳- کریم انبیا
۱۴- حسن لکازی	۳۴- کریم انبیا	۴۴- حسن لکازی	۵۴- کریم انبیا
۱۵- حسن لکازی	۳۵- کریم انبیا	۴۵- حسن لکازی	۵۵- کریم انبیا
۱۶- حسن لکازی	۳۶- کریم انبیا	۴۶- حسن لکازی	۵۶- کریم انبیا
۱۷- حسن لکازی	۳۷- کریم انبیا	۴۷- حسن لکازی	۵۷- کریم انبیا
۱۸- حسن لکازی	۳۸- کریم انبیا	۴۸- حسن لکازی	۵۸- کریم انبیا
۱۹- حسن لکازی	۳۹- کریم انبیا	۴۹- حسن لکازی	۵۹- کریم انبیا
۲۰- حسن لکازی	۴۰- کریم انبیا	۵۰- حسن لکازی	۶۰- کریم انبیا

بقیه از صفحه ۴

مبارزه کارگران مبارز ستروبلر... روابط و روابط گذشته را احیا کرده و بسط و استثمار رژیم وابسته به امپریالیسم شاه جلاد را از نو پهن کند و همانطور که می گویند از عمل هرکسی باید فهمید چندمردم علاج است نه از حرف وی، اینجا هم این مسئله مصداق دارد. سخن گفتن از مبارزه با امپریالیسم در

ظواهر و کوشش در بیان در جهت تثبیت حاکمیت سرمایه داری وابسته به امپریالیسم بسیار نگر ماهیت هیئت حاکمه است و نشان می دهد که در مبارزه با امپریالیسم چندمردم علاج است. نا بودیا در سرمایه داری وابسته به امپریالیسم! هرچه مستحکم تر باد اتحاد و همبستگی طبقه کارگر!

توضیح :
ما قصد داشتیم در ادامه مقالات قانون اساسی و موضع گیری نیروهای سیاسی به موضوع گیری نیروهای دموکرات مذهبی و برخی نیروهای چپ نیز برخورد کنیم ولی بدلیل اهمیت مسائل دیگر برخورد به موضع گیری این نیروها را به فرصت دیگری موکول می کنیم.

خرم شهر -

حرکت انقلابی و پیرومندان کارگران یار نویسی بنادر

کارگران شرکت با رضوی بنادر از منتهای قبل خواسته های داخند که با راه باقی می ماند شرکت، فرماندار و رئیس اداره کار در می بینان گذاشته بودند ولی آنها قربان رضوی جواب رد داده بودند حتی یکبار رئیس اداره کار خرم شهر به تشرمانه اظهار داشته بود اگر شما خواهشید به خواسته ها پتان دست با بیدم من مرغاب می -

مالم... در چنین وضعیتی شرکت از پرداخت حقوق نیمه دوم آبان تا اواسط آذر ماه مقرر می رود. این موجب خشم و هرجه بیشتر کارکنان این شرکت میشود. روزیکشنبه ۵۸/۹/۱۸ شورای کارگران برای آخرین بار به دفتر مدیریت عامل مراجعه و خواستار رسیدگی به خواسته ها از جمله پرداخت حقوق عقب افتاده کارکنان میشود ولی حتی همان گذشتگی جوابی رد می شودند کارگران میرا جایز نشمرده و دست به یک اقدام متحدانه و انقلابی میزنند. آنها مدیریت عامل (شیرواخی) راهبرانه و نفر دیگر از مسئولین بنام تفتیان و "معیل" به کارگران گرفته آنها را تحویل داد و با رسیدن دولتی خیلی زود متوجه میشوند که مقامات قضا بی کسی جزا میان همین زانوفشان نیستند، از این رو تصمیم میگیرند مجدداً کارگاهها را تحویل گرفته و در صورتیکه دادیار هم مخالفتی کرد و از تحویل کارگاهها حرم را زود خود را هم جگر و کارکنان جگر نشد و ولی دادیار بخرات چنین کاری را نداشته و مسیبه کارگران را تحویل میدهد. آنها سپس بیش از ۲۰ نفر کارمند را بر سر راه نیز به این عده اخافه کرده همه را در ساختمان شرکت نگه میدارند. از این زمان به بعد تلاش فرمادار و مقامات برای غریب تهدید و... شدت میگیرد و ولی وحدت و یکپارچگی کارگران از یکطرف و پشتیبانی و پشتیبانی آبی که از جانب دیگر کارگران و

زحمتکاران بخشهای مختلف بندر (سندیکای کارگران ایران خرمینالی شورای کارگری خطوط کشتیرانی (سازگرو) و...) صورت اعلام همبستگی ها ابراز شد، از طرف دیگر موجب گردید کارگران با نویسی موفق شوند در تاریخ ۹/۲۱ بخش اول خواستهایشان را بگیرند.

بعضی از خواستهای کارگران که در دست کوتا مدت و در امدت طرح شده عبارتند از:

- الف - خواستهای کوتاه مدت
- ۱ - پرداخت حقوق عقب افتاده
- ۲ - همسطح کردن حقوق کارگران این شرکت با سایر شرکت های مشابه و...
- ب - خواستهای بلند مدت
- ۱ - رسیدگی به وضع امور مالی شرکت
- ۲ - پرداخت کلیه بدهی های کارگران که قبلاً در شرکت های کشتیرانی بوده اند.

روز یکشنبه ۵۸/۹/۲۱ اعلامیه پشتیبانی سندیکای کارگران ایران خرمینالی "وابا" بعضی از خواستهای آنان می آوریم:

"ما ضمن محکوم کردن سیاست های کارگری شرکت ایران خرمینالی ضمن اعلام خواستهای خود عمل انقلابی شما را که کارگران را متحد می سازد و سرمایه داری را زایل می کند و از این جهت به شما تبریک عرض می نمایم و از این پشتیبانی کرده و تا آخرین لحظه در کنار شما خواهیم بود."

- ۱ - محاکمه نقیب و پورسیستانی به خاطر اعمال خدکارگریشان
 - ۲ - پرداخت مابه التفاوت حقوق و مزایای کارکنان اول فروردینماه ۵۸
 - ۳ - بازگشت کلیه کارگران اخراجی به کار
- حرک بر سر ما به داران زانوفشان مستحکم باد صفوف کارگران

پیروزی کارگران اخراجی و متعدد کارخانه دکتر عبیدی

در پی کارخانه ۳۴ گفتیم که کارگران اخراجی کارخانه عبیدی طی مبارزات خود در کارخانه محصن شدند. در زیر گزارش داده میارزات آنها را ملاحظه خواهید کرد.

پس از تهنیت کارگران چند نفر از وزارت صنایع و معادن به کارخانه می آمدند و طی سخنانی میگویند: "عمل شما نادرست و ضد انقلابی است

شما به خانه ها پتان برید، نماینده ها دنبال کارتان را خواهند گرفت، وزارت صنایع و معادن هم به کار شما رسیدگی خواهند نمود حتی اگر لازم بود عبیدی را عوض خواهند کرد." کارگران تحت تاثیر حرفهای فریبنده آنها قرار گرفته و بدنبال شنیدن صحبت های موافق و مخالف نمایندگان و کارگران پس از آرای گیری سر-

اما پس خواست اکثریت کارخانه را شرکت کردند. اما روز بعد وقتی کارگران بوزارت صنایع و معادن مراجعه کردند، با بی وفایی و بی مسئولیت و از کارخانه برپا شدند. آنها که جزا می آمدند قبول رسیدگی غوری داده بودند، اینک می گفتند: "مشکله شما مشکله کارگران و فرمادار است. وزارت کار مربوط می شود به شما چرا جمع کنید. کارگران خشمگین و آگاه تر از روز قبل نیستند. به توطئه های عوامل ارتجاع و حامیان سرمایه داری، به وزارت کار مراجعه کردند. ولی آنها نیز آنها را اعلان کردند و از کار و فرمادار کردند. کارگران خود را برای خصنی دیگری آماده می کردند که بدنبال شکایت عبیدی از کارگران به دادستانی بجا بیاورند. اشفال کارخانه و شکستن درء و ماحور از دادستانی به کارخانه آمده و خواستار محاکمه نمایندگان شدند. این دو ماجرا در پیشتاد و یک روز گذشته کارگران مجبور شدند به سر کار برگردند و متادرمورد همین ۵ نفر تحقیق شود که کارگران در مورد پیشتاد و یک روز گذشته و پیرامین خواست اکثریت به سر کار خود برگشتند. اما پس از باز آمدن مجدد کارخانه به زوری خواستهای خود (با زنگنه هم به سرکار و ایجاد شور) با خفاری کردند. آنها حتی بهند ساختن نیز در کارخانه دست از کار کشیدند. سرانجام تحت فشار همبستگی کارگران نمایندگان دادستانی طی نشستی با حضور نماینده وزارت کار و کارگران و نمایندگان کارکنان کارخانه و چند نفر دیگر به سر کار برگردان. کارگران این پیروزی عظیمه ای خود را با خریدن شیرینی جشن گرفتند. آیین چربان روی کارگران قدیمی تا شیر زیاده ای گذاشته بود.

بعد از این پیروزی عبیدی دست به توطئه تازه ای میزند. وی کارمندان را که از مبارزات کارگران حمایت کرده بودند، اخراج کرده و با اختیار ایشان را معدوم می نماید. عمل او با مخالفت شدید کارگران و روبرو می شود، بطوریکه کارگران قسنت های مختلف دست از کار می کشند. کارفرما ناچار دوباره عقب نشینی کرده و کارمندان اخراجی را به سرکار میگرداند.

پس از این پیروزی، کارگران با شور و ایمانی بیشتر به پیروزی نهایی طبقه کارگر شروع به کار کرده و تصمیم میگیرند برای تشکیل شورای واقعی خود، مبارزاتشان را ادامه دهند.

بیتوان باد دستهای متحد
کارگران کارخانه عبیدی

نان ، مسکن ، آزادی

بقیه از صفحه ۳

"شورای انقلاب با تصویب قانون سود...
قانون سودویژه، اما سابقا قانونی استثنای گران است. تصویب و اجرای این قانون در زمان شاهان، هدفی جز تحمیل کارگران، سرکوب آنان و تحمیل فقر و فلاکت بر آنان، سرکوب کردن کارگران سودبرما به داران زالوشت برگرده کارگران و ایجاد رقابت و دوستی در میان آنان نداشته است. شورای انقلاب، از آنجا که یکدیگر مقابل کارگران مافرا دارد، از ابتدا همان قوانین دوره خاندان پهلوی را که عامل خانه غرابی میلیونها کارگر و محنتکش میهن ما شده بودند، اجرا گذاشت. از جمله این قوانین، قانون سودویژه مصوبه سال ۴۱ می باشد. اکنون دیگران هدف رژیم شاهان است. تصویب این قانون بر کسی پوشیده نیست. رژیم پهلوی با پرداختن قسمتی از دستمزد ماهانه کارگران و سپس پرداختن به نام "سودویژه" اهداف زیر را دنبال میکرد: - به مشروط کردن سودویژه به میزان تولید، که هر سودمندان را به حساب کارگران، سرکوب میکند. اگر تولید به موازات سود میزد، سود اولیه، کمدهای باز آنرا، از تنگنای اقتصادی بقدر کیفیت کار... که هر می با فستند. این کارگران بودند که کار هر سودبرما داران را می پرداختند. - به مشروط کردن میزان سودویژه به بهای ملاح ۳ نظایط و بهر وری کارگران، اختلافات میان کارگران را با مین میزدند و کارگران را را روبر روی یکدیگر قرار می دادند و به این ترتیب به متشکل کردن کارگران و فریب میزدند. - به مشروط کردن سودویژه به میزان تولید، کارگران را وادار به افزایش تولید می کرد. - سودویژه به ترتیب میزان اشتغال و افزایش می دادند و کارگران نسبت به تولید بیشتر، دستمزد کمتری دریافت می کردند. - به پرداخت قسمتی از دستمزد کارگران به صورت "سودویژه" یا بر مبنای کارگران (نظیر حق اولاد، بیمه، اما فکری و...) چون بر مبنای دستمزد و سی آنان پرداخت میکردند، میزان قابل توجهی کاهش می یافت. - به ادعای اینکه کارگران به تصویب این قانون در سود کارخانه ها سهم نداشته اند! می میگردند و صرفا کارگران و سودمندان را به پوش گذاشته، جلور شد که کارگران را به نام باند. اکنون شورای انقلاب با تصویب دوباره این قانون گذاشته همین اهداف اساسی را دنبال میکند. و این هنوز تمام قضیه نیست. طبق قانون جدید سودویژه:

- ۱ - سودویژه بر اساس آخرین میزان دستمزد کارگران و سرما به داران پرداخت می شود. در دوره صورت نبودن این میزان، بر مبنای دستمزدی که کارگاه ها میثا به عمل می شود. این بدان مفهوم است که شورای انقلاب بهمانهایی را به رسمیت میثنا شده که ما بین کارفرمایان سابق و شما پندگان باقی کارگران منعقد شده

است! یعنی تمام اجاعات و کلاه برداریها می که توسط عوامل مزدور کارفرمایان بنام شما - پندگان کارگران انجام شده، تا شیده شده است. (بدینست بدانید که حد اکثر سودی که طی سالهای گذشته به کل کارکنان موسسات تولیدی پرداخت شده از ۳ الی ۴ درصد موسسات بیشتر نبوده است) یعنی شورای انقلاب، شما را و سودیکاهای فعلی کارگران را (سودویژه) اینک شما را از این شما ها و سودیکاهای واقعی میباید به رسمیت نشناخته، نمی خواهم که همه اینها دستمزدی جدیدی به کارگران و سرما به داران بستمند. زیرا این خود زمینه دیگری برای گسترش مبارزات صنفی - سیاسی کارگران است. ما بین ترتیب است که شورای انقلاب قصد دارد و میخواهد که همه کارگران را به فلکتابی بر آید که کارگران قبل از قیام داشتند، به آنها تحمیل کند. همان قوانین، همان شرایط همان سودمندان، همان پیمانها و همان اشتغال را این است منطق شورای انقلاب. بدین ترتیب شورای انقلاب سعی میکند دستمزد و معایق کارگران را از تنگنای کارگران، بیرون آورد و در این راه از حقوق صنفی کارگران هم، نمیگذرد. ۳ - سودویژه مکتبی شورای انقلاب، حسی از همان سودویژه دوره رژیم سابق، نزدیکتر خواهد شد، چرا که میزان کارگری و رشد تورم چند درصدی طی یک دوره ساله، غیر و عدم افزایش دستمزد و دستمزد به میزان تورم، به میزان بسیار زیادی از ارزش پول کارکنان و قدرت خرید کارگران را بخت کاهش داده است. بدین ترتیب قانون سودویژه شورای انقلاب، حتی قدمی به عقب نسبت به قانون سودویژه رژیم فداکارگری قبلی است!

- ۳ - شورای انقلاب تحت عنوان "مقررات جدید پرداخت سودویژه کارگران" اینها را مفروضات رژیم سرنگون شده قبلی را به اجرا در می آورد. با جعلیه در بند "جدول ضمیمه ماده ۱" است: "مالیات مربوط به ۳۰۰۰۰ ریال حق سهم معادل ۱۰ درصد است که به حساب شرکت شغلی صرف و اریز می شود و نسبت به مسازاد ۳۰۰۰۰ ریال مالیات به داران می پرداخت می میگردد."

ملاحظه میکنید که هیت ها که غلی دقیا با درجی پای رژیم قبلی میگذارد، بجای تا میتر بودجه شرکتها و شغلش از جیب سرما به داران، این خود کارگران هستند که کتایان میباید به سود و جفرت شغلش را تا میتر نمایند. بدین ترتیب است که کارکنان تمام کارخانهای از کمبود اجناس گزاشی آنها و... سر دوش کارگران قرار میگیرد. این "شورای انقلاب" است یا "شورای فدا انقلاب"!

- ۴ - به ما بهما ده ای میثان در یافت که نسبت سهمی که کارگران در مقابل مهندسین و کارمندان عالیرتبه تعلق میگیرد نسبت به مالهای قبل به مراتب کمتر است. توضیح اینکه جمع امتیازات انکشافی یک کارگر ساده (که داخل دستمزد و امتیازات با و تعلق میگیرد) طبق جدول پیشنهادی انقلاب ۴۵ وادانت و این مقدار برای کارمندان و

مهندسین عالیرتبه که حقوق آنها به ۱۵۰۰۰ تومان هم میرسد، بیش از ۱۷۵ واحد بود! یعنی بطور متوسط نسبت امتیازات استثنائی یک کارگر ساده به یک مهندس در حدود یک به چهار (۱/۴) میباشد. (چون حقوق روزانه مهندسین عالیرتبه بیشتر از ۲۵۰۰ ریالی است که در جدول ذکر شده است) این امر نشان دهنده آن است که میزان پولی که به عنوان سودویژه به کارمندان و مهندسین عالیرتبه تعلق میگیرد، حدود ۴ برابر سود ویژه ای است که به کارگران ساده تعلق میگیرد. ۵ - با توجه به اینکه کارگران بعلیه مشکلات فراوان زندگی، خودموازه روزها می از ماه فبیت میکنند (و این در مورد مهندسین و کارمندان عالیرتبه صدق نمی کند) به از هر میزان امتیاز استثنائی کارگران ساده نسبت به مهندسین و کارمندان عالیرتبه از به هم تنزل کرده و موجب اجاع فبیشتری به کارگران ساده و کلا کارگران میشود. یعنی آنها که بیشتر در رند، را شوا آنها که وضع زندگی بسیار بدی دارند، فقیرتر خواهند شد! این است سیاست عمده و پشیمانی "مستغفین" از طرف شورای انقلاب!

- ۶ - مورد دیگری که در کار هر سودویژه کارگران موثر است، آذدها، کلاهی ها، اجاعات و ساخت و پا خنای کارفرمایان و ما مورسین عالیرتبه و زارت کار و دولت است! بهیژه در کارخانه های کشور و ایستدیکای کارگران، نظارتی بر مر خرید و فروش کالای کارخانه ها و رند به کار و وسدیکای کارخانه ها، فکاسی و فداکاری است. امکان اجاعات بر کارگران بیشتر می شود. کارفرمایان می توانند به انواع حیلها در قرار دادهای قبلی دست یابند. میزان کل حق السهم سود ویژه را با شین آورند.

کارخانه ها می که شوا به سندیکای کارگران نظارتی بر مر خرید و فروش و لای کارخانه ها رند و شوا روستدیکاهای کارخانه فکاسی و فداکاری است. امکان اجاعات بر کارگران بیشتر می شود. کارفرمایان میثا و شوا انواع حیلها در قرار دادهای قبلی دست یابند. میزان کل حق السهم سودویژه را با شین آورند.

- ۷ - در بند "جدول ضمیمه این قانون" آمده است: "در مورد سرپرستان و مدیران، منیر و عامل امتیاز کارگری را اعطای میکنند. این بدینمنزاقی حقوق کارگران میباشد. بدینست "شورای انقلاب" می فهمانده که شوا به سندیکای واقعی کارگران حق نظارت بر امر تولید رند و نحوه رفتار سرپرستان و مدیران و تمهین امتیاز کارایی آنان ندارد. بهیچار دیده شده است که مدیران و ویا سوپرستان به تولید آشنائی نداشته و کار نمیکنند، بلکه فقط برای کنترل رفتار کارگران و برای با صلاح حفظ نظم کارخانه ها رند و بهما ده ای میثان در یافت جاتوس و مزدور کارفرمایان در می آید. سندیکای شورای کارگران حق دارد بر تولید و فروش، بر میزان سود کارخانه ها و

کارگران برای کم کردن شدت استثمار خواهان نظارت و کنترل بود و یوت کارخانه ها باشند

موسسه‌ها مستخدم مدیران و سرپرستان جدید و نحوه مدیریت کارخانجات و موسسه نظارت و کنترل کند.

بنابر این از بررسی قانون سودویژه موسسه شورای انقلاب نتایج زیر حاصل میشود:

الف - اساس تصویب این طرح عملی شدن انقلابی و ضد کارگری است. زیرا ماهیت این قانون هدف آن چیزی جز استثمار هر چه بیشتر کارگران و ضربه زدن به تشکیل و مبارزات آنان نیست.

ب - هیئت حاکمه به تمام قوانین و قرار دادهای رژیم قبلی حاکمی حاکمی شده است. از این لحاظ اساساً این تصویب عجز از تصویب طبق این قانون ندارد و نمیتوان آنرا پذیرفت.

ج - میزان ۱۰٪ مالیات مطابق همان قوانین رژیم سرنگون شده قبلی است و قابل پذیرش نیست. سرمایه‌های شرکتی و صنعتی باید ازجیب سرمایه‌داران تأمین شود.

د - رژیم اساساً و ماهیتاً شوراها و سندیکاها را واقعی کارگران را مورد شوال قرار داده است. زیرا اولاً در زمین میزان علاقه‌مندی مدیران و سرپرستان، شوراها و سندیکاها واقعی

کارگران هیچ نقش شورشی و کنترل ندارند و ثانیاً سندیکاها هیچ جدی‌ترین بستر پیمانهای جدید سودویژه را نداشته است.

با توجه به مسائل بالا، نتایج عملی زیر بدست می‌آید:

۱ - در آینده، قانون سودویژه که عبارت از قانونی کردن استثمار کارگران است با بدست لغو و سودویژان حداقل دستمزد کارگران مطابق هزینه متوسط زندگی یک خانواده ۵ نفری تعیین شود و افزایش یابد.

در حال حاضر با بدجه بر حسب درصدی دستمزد و چه بر حسب چند ماه از دستمزد (حداقل ۵ ماه در سال) عجز از سود را برای کارگران در نظر گرفته است.

۲ - باید در زمینهای اشتغال خود که سودویژه کارمندان و مهندسان و سرپرستان، بهر عکس میزان حقوقشان از سود ده گردد. و میزان آن حد اکثر ۱/۵ برابر بر مبنای سود یک کارگر ساده بیشتر نباشد.

۳ - باید تمام سرمایه‌های گمنام و متغیر کارایی و تقبیل هزینه‌ها و ضایعات و انباشت محسوب میشوند و زمین سودویژه حذف گردند.

۴ - مالیات از سودویژه ضایعات کسر گردد.

بوده شرکت تعاونی با بد ازجیب سرمایه‌داران تأمین گردد.

۵ - ضریب قیمت با بد ازجیب پرداخت سود ویژه محو گردد.

رفقای کارگر!

قانون سودویژه موسسه رژیم شاه، که شورای انقلاب، بدان صدک داشته است، قانون استثمار امپریالیست‌ها، سرمایه‌داران وابسته و سرمایه‌داران تأثیر قدرت رسیده کارگران است!

معداً و کوششهای فراوان هیئت حاکمه یعنی سرپرستان سودویژه کارگران، تحت فشار روزافزون کارگران و در مجموع گسترش مبارزات، خدا را شکر! نمیتواند ازجیب کارگران و زمین خلق، هیئت حاکمه اقدام به عقب نشینی نمود و به گذشته‌های کوچک برای حفظ اساس حاکمیت خویش، روایی شد.

در کنار برپاداشتن سودویژه‌گذاری‌ها کارگران، در کنار سرمایه‌داری اموال تصدیع محدودی از سران خونخوار رژیم قبلی، در کنار افشای عناصر مزدور سرپرستان امریکایی نظامی امپریالیست‌ها، در کنار برپاداشتن سروصدای زیاده‌داری و زهد با مصالح خدا، امپریالیست‌ها هیئت حاکمه همچنان اقدام به سرکوب و کشتن کارگران و زمینشان (کشتن علی اکبر رضایی، کارمند اداره‌های رزمایش‌های کشتن دوشیز از کشته‌داران زمینشان در جنوب با رک ملت) حمله به تظاهرات و سب و عروم در محمود آباد، اقدام به انواع تهدیدها از جمله تهدید جاجخانه‌های کشتن و اختلالی را چاپ میکنند، تهدید به سرکوب و حتی اعدام زمینشان می‌کنند. اقدام به مارد زدن زمینهای زمینداران بزرگ و آوارها و خانه‌های سرمایه‌داران وابسته میکنند، تدابیر برای حمله مجدد به کردستان و برپاداشتن جنگ‌ها و ضایعات داخلی و تصویب طرح غارتگری "خودگردانی تجاری" خود مختاری و تأیید حفظ قرار دادهای حیوانی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی با امپریالیست‌ها و... می‌نمایند. اینها نشان دهنده عقب نشینی‌های محدود هیئت حاکمه در مقابل گسترش روزافزون جنبش‌های آزادی‌خواهانه، سرکوب جنبش‌های آزادی‌خواهانه و تأیید و هر آنقدر که میتوان از طرف دیگر می‌باشد.

همانطور که کمونیست‌های واقعی و نیروهای واقعی مبارز با راه‌گفته‌اند (و با راه در تجربه خود دیده‌اند) با ثبات رسیده است) رژیم حاکم نه میخواهد و نه میتواند به خواسته‌های سر خودخواه‌های زمینشان و در راستای آن کارگران پاسخ مناسبی دهد. طبیعتاً این مدت، کشتار و سرکوب کارگران، سرکوب دهقانان رنجیده و فروتنان در حرکات اعتراضی کارمندان و سایر اقشار زمینشان خلق ما، بخشی ماهیت این رژیم را نشان داده است.

همانطور که ما هیئت قانون سودویژه و تصویب آن از شورای انقلاب نشان میدهد هیئت حاکمه میتواند در مقابل فشار رفته‌ای، حداقل عقب نشینی ممکن را انجام داده، حتی الامکان چیزی ندهد. کارگران آگاه میدانند که این عقب نشینی‌ها تا زمانیکه این هیئت حاکمه در رأس حکومت مستبد محدود، موقتی و ناپایدار است و مردم امکان بازپس گرفتن آن میباشد بقیه در صفحه ۸

مقررات جدید پرداخت سودویژه به کارگران



شماره ۲۶ آخر ماه
۱۳۵۸ - شماره ۱۶۰۳۶

جدول توزیع حق انصاف کارگران در سال ۱۳۵۸

انحصار سر	تا ۱۰۰۰ ریال	از ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ ریال	از ۲۰۰۰ تا ۳۰۰۰ ریال	از ۳۰۰۰ تا ۴۰۰۰ ریال	از ۴۰۰۰ تا ۵۰۰۰ ریال	از ۵۰۰۰ تا ۶۰۰۰ ریال	از ۶۰۰۰ تا ۷۰۰۰ ریال	از ۷۰۰۰ تا ۸۰۰۰ ریال	از ۸۰۰۰ تا ۹۰۰۰ ریال	از ۹۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ ریال	بیشتر از ۱۰۰۰۰ ریال
۱/۵ انحصار	۲۰۰۰ ریال	۳۰۰۰ ریال	۴۰۰۰ ریال	۵۰۰۰ ریال	۶۰۰۰ ریال	۷۰۰۰ ریال	۸۰۰۰ ریال	۹۰۰۰ ریال	۱۰۰۰۰ ریال	۱۱۰۰۰ ریال	۱۲۰۰۰ ریال

انحصار سر	۱/۵ انحصار	۲/۵ انحصار	۳/۵ انحصار	۴/۵ انحصار	۵/۵ انحصار	۶/۵ انحصار	۷/۵ انحصار	۸/۵ انحصار	۹/۵ انحصار	۱۰/۵ انحصار	بیشتر از ۱۰/۵ انحصار
۱/۵ انحصار	۲۰۰۰ ریال	۳۰۰۰ ریال	۴۰۰۰ ریال	۵۰۰۰ ریال	۶۰۰۰ ریال	۷۰۰۰ ریال	۸۰۰۰ ریال	۹۰۰۰ ریال	۱۰۰۰۰ ریال	۱۱۰۰۰ ریال	۱۲۰۰۰ ریال

انحصار سر	۱/۵ انحصار	۲/۵ انحصار	۳/۵ انحصار	۴/۵ انحصار	۵/۵ انحصار	۶/۵ انحصار	۷/۵ انحصار	۸/۵ انحصار	۹/۵ انحصار	۱۰/۵ انحصار	بیشتر از ۱۰/۵ انحصار
۱/۵ انحصار	۲۰۰۰ ریال	۳۰۰۰ ریال	۴۰۰۰ ریال	۵۰۰۰ ریال	۶۰۰۰ ریال	۷۰۰۰ ریال	۸۰۰۰ ریال	۹۰۰۰ ریال	۱۰۰۰۰ ریال	۱۱۰۰۰ ریال	۱۲۰۰۰ ریال

اینستاد استحقاقی سرورهای کارگر در کارگری جمع استحقاقی انحصار سر روزهای کارخانه در سال

انحصار سرالی هر استحقاقی کل حق انحصار حاصل کل استحقاقی

حق انحصار سرانحصار سرالی هر استحقاقی انحصار سرانحصار سرالی هر استحقاقی

پنجه از صفحه ۹

به رسمیت شناختن این سازمان به عنوان تنها نماینده قانونی خلق فلسطین بویژه از این لحاظ اهمیت دارد که راه را بر توطئه گرانی که میگوشتند بنا مخلق فلسطین سخن گویند و در زدوبندهای بین المللی همچون مادات و ملک حسین و... جهت نابود کردن آلمان فلسطین با دشمن وارد مذاکره شوند، می بندد.

۲- فتح جنبش آزادیبخش ملی فلسطین

آغازگر مبارزه مسلحانه فلسطین در اول ژانویه ۱۹۶۵ می باشد. پیش از این تاریخ مبارزات مردم فلسطین در راه بازگشت به میهن یا بهیرون راندن دشمن از خاک فلسطین، بطور عمده شکل خودبهدی و سازمان نیافته داشت. قیمومت کشورهای عربی برای حل مسئله فلسطین امری تعیین کننده بود. یعنی مثلا عبدالنار و یا پادشاهان و روسای جمهور کشورهای عربی دربار فلسطین تصمیم می گرفتند خسود فلسطینی ها را از ۱۹۴۸ تا ۱۹۶۵ همین شیوه عقیم ادا می دادند و امپریالیسم همین را میخواست. چرچیل نخست وزیر انگلیس (در جنگ دوم جهانی) زمانی گفته بود: "فلسطینی ها را چندان در اردوهای آوارگان نگه دارید، وطن از پادشاهان خواهر رفت". شروع مبارزه عامل مهمی در تنش برآوردن این رویای امپریالیستی بود. الفتح خود در سال ۱۹۵۹ بوسیله عده ای از روشنفکران میهن پرست فلسطینی پایه گذاری شد و تا سال ۱۹۶۵ که جناح نظامی آن (عامه) مبارزه مسلحانه را آغاز کرد کمتر کسی از وجود آن اطلاع داشت. تا این سال، فتح توانسته بود حدود ۴۰ نفر را عضوگیری کند. در دوران این جنبش ملی گرایشیهای مختلف ایدئولوژیک و طبقاتی وجود دارند. در این جنبش ملی ایدئولوژی خاصی مطرح نیست. ما تریالیست، مارکسیست، مسلمان، مسیحی و... در کنار هم اند. فتح یک جنبش غیر مذهبی (لائیك) است. همچنین از کارگر و دهقان گرفته تا عناصر دموکرات و حتی لیبرال. آنچه آنها را در کنار هم جمع می کند استراتژی واحد از کردن فلسطین از طریق مبارزه مسلحانه و ایجاد "دولت دموکراتیک فلسطین" است. پایه عمده این جنبش را دهقانان تشکیل می دهند و آوارگان، روشنفکران و حتی کارگرانی که تا شرات منشا دهقان خود را کاملاً حفظ کرده اند.

بطور کلی از عملکرد الفتح در پهنه مبارزه انقلابی فلسطین میتوان نتیجه گرفت که این جنبش بدلیل پایه وسیع توده ای، عموماً خلقی دموکراتیک ضد امپریالیستی ضد صهیونیستی را دنبال میکند. اما این جریان بدلیل ماهیت و ترکیب طبقاتی رهبری آن دارای گرایشهای مشخصی است که تا بحال فریاد میهنی همه جنبش زده و مسلماً در آینده نیز خطراتی برای انقلاب فلسطین بسا خواهد آورد.

۳- جبهه خلق برای آزادی فلسطین

این جبهه در اوایل سال ۱۹۶۷ در نتیجه متلاشی شدن "جنبش ناسیونالیستی عرب" بوجود آمد. جنبش ناسیونالیستی عرب که در سالهای ۱۹۵۰ بوسیله برخی از مبارزان

عرب منجمده دکتر زور حبش تا سپس شده و یک حزب سراسری عربی نیرومند را تشکیل میداد، پس از شکست تجربه های وحدت دول عربی و نیز شکست تجربه های مارکسیسم در مقابل اسرائیل (ژوئن ۱۹۶۷) از هم پاشید. رهبران و اعلاء فلسطینی این جنبش، "جبهه خلق برای آزادی فلسطین" را بنیان نهادند. و پیروی از خط مشی مارکسیسم لنینیسم را رسماً اعلام نمودند.

بدون شک این تحولی بزرگ از فریمیم به انقلاب، از ایده ایسم و انتفاضة ما شیل-ایسم دیالکتیک بود. این جبهه معتقد است که برای حل مسئله ملی (آزادی فلسطین و حل شفا دین صهیونیسم و خلق عرب و نیز شفا دین امپریالیسم و خلقهای تحت استعمار) راه ای-جست، اتخاذ خط مشی مارکسیستی لنینیستی نیست. این جبهه که میگوید به تدریج به صورت یک سازمان مارکسیستی لنینیستی درآید "در مجموع عملکرد انقلابی-دموکراتیک دارد و عمدتاً پایه آن روشنفکری و از انظار متوسط و آگاه فلسطینی است. مواضع مشخصی و مبارزاتی این جبهه بخصوصی یعنی ژوئیش مورد قبول و احترام جناح های گوناگون است. این جبهه هر چند دارای اختلافات ایدئولوژیک و سیاسی مشخصی با الفتح می باشد و از رهبری سازمان آزادیبخش فلسطین انتقاداتی مریح میکند، اما خود در دوران شورای ملی فلسطین و نیز سازمان آزادیبخش فلسطین عضویت دارد و در موسسات توده ای وابسته به این سازمان نظیر اتحادیه های کارگری و دهقانی، دانشجویی و... و نیز بوجه عمومی، عضو است و فعالیت دارد. این جبهه در رابطه با الفتح سیاست وحدت مبارزه را دنبال می نماید، که در هر مقطع زمانی یکی از اینها غالب است.

نه این جبهه و نه دیگر سازمانهای فلسطینی که ایدئولوژی خود را مارکسیسم لنینیسم می دانند با رویزیونیسم یا مقوله موسیال امپریالیسم، مرز بندی ندارند. همه آنها با اتحاد شوروی روابط حسنه دارند. برخی از آنها فرمت طلبانه حتی شوروی را هم پیمان استرا-تژیک فلسطینی می نامند یا اینکه به همگان روشن است که آنها دشواری اسرائیل را در دوران مرزهای سال ۶۷ به رسمیت می شناسد و خواستار آزادی کل فلسطین نیست. ما در آینده مقادراتی



دکتر زور حبش، رهبر جبهه خلق برای آزادی فلسطین

از جبهه خلق برای آزادی فلسطین در پیکار خواهم آورد تا خواهانندگان به تدریج مواضع این سازمان انقلابی فلسطینی آشنا شوند. منشا قاطعانه و بی هیچ تردیدی بنا بر اصل لنینیستی حق خلقها در تعیین سرنوشت خویش از مبارزه عادلانه خلق فلسطین در راه آزادی و استقلال و مبارزه با امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع پشتیبانی می کنیم، وجود این ضعف یا آن انحراف در سازمانهای رهبری کننده-که با آن مرز بندی می کنیم- هرگز موجب آن نخواهد شد که ما نسبت به حمایت از انقلاب خلقهای تحت تسلط امپریالیسم اندکی تردید بخود راه دهیم و گر نه در همان ورطه فساد انقلابی "سجاشی" ها خواهیم افتاد!

۴- جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین

این جبهه در سال ۶۹ از انشا ب درجبهه خلق برای آزادی فلسطین بوجود آمد. رهبری این جبهه را بنایف حواش بهیده دارد. مواضع این جبهه از لحاظ ایدئولوژیک و سیاسی، بسیار به مواضع حزب توده ایران نزدیک است و شاید همین اشاره کافی باشد! بوجود آمدن این جبهه یک انشعاب پورشنیستی "چپ" بود که سرانجام به مواضع راست (مثلاً زمانی به حذف مبارزه مسلحانه) انجا میزد. البته این جبهه هم راهب دیگر سازمانهای فلسطینی در داخل و خارج سرزمینهای اشغالی عملیات انقلابی مسلحانه می داد. از خود پهنه مبارزه فلسطین آنکه عملیات مسلحانه نباشد، تمیزی ندارد. این جبهه بطور رسمی از انشعاب شکلاقی و شورویکامناسی سرخورد و راست و عمدتاً پایه گاه آن روشنفکری است.

۵- الصاعقه

این سازمان را میتوان شاخه فلسطینی "حزب بعث سوریه" معرفی کرد. این سازمان از جمله سازمانهای است که در نتیجه مداخله گری رژیمهای عربی در مسئله فلسطین و جهت تامین نفوذ آنها در درون جنبش مقاومت به وجود آمده. از این سازمان کاری به نفع فلسطین ساخته نبوده و هر چه کرده پس لای چرخ انقلاب فلسطین بوده است. این سازمان تنها در سوریه و فعلاً در لبنان وجود دارد و در واقع تابع ارتش سوریه است. البته قدرت چندانی ندارد که در مسیر انقلاب فلسطین اثری بگذارد. این سازمان در جریان تجاوز سوریه به لبنان (سال ۱۹۷۶) از درون انقلاب فلسطین و نیز از لبنان تمهید و موالش میا دره شد. و رهبران رهبر محسن که چندی پیش ترورش را از لبنان فرار کرد و به مدینه کمک سرهای سوریه به لبنان بازگشت.

۶- جبهه آزادیبخش عرب

این هم نظیر ما عده است، لیکن ساخته عراق. کاری در زمینه مبارزات انقلابی فلسطین ندارد و تنها با نفوذ و تحمیل عراق چند کرسی در مجلس ملی فلسطین و یکی هم در کمیته اجرایی دارد که البته کاری از آن بر نمیآید.

۷- جبهه مبارزه توده ای

این جبهه، در سال ۶۹ بوجود آمده و رهبری آن را دکتر سمیر غنوشه بهیده دارد. پنجه در صفحه ۱۹

حزب توده، حزب معامله است، نه مبارزه

"مردم" ارگان مرکزی حزب آمده بود. لازم بود مدت‌های مدیدی مثلاً بازده روز آری فقط بازده روز بگذرد تا شاهد باشیم که همراه با حرکت اربابان روسی اش‌بناگهان ۱۸۰ درجه تغییر موضع دهد و در مورد حقیقت الهامین چیزی را بگوید که بازده روز قبل از آن درست عکس آن را ببلغور می‌کرد. در "مردم" شماره ۱۳۰ مورخ بکشنیه ۹ دیماه در مقاله‌ای را جمع کرده افغانستان از جمله چنین می‌خوانیم:

"... متأسفانه خدا انقلاب خواسته بود در داخل رهبری حزب دمکراتیک خلق افغانستان. بنیز خفونگند. اوج شوطه خدا انقلاب بصورت افشل بدون حاکمه شور محمدشترکی در ۱۶ سبتمبر ۱۹۷۹ توسط حقیقت الهامین سرور کرد. (البته آقای کیا نوری هم امروز متوجه چنین شوطه‌ای شده اند!) ... اما نیروهای انقلابی افغانستان که از پشتیبانی توده‌های عظیم زحمتکشان برخوردارند، بموقع متوجه این خطر شدند و شوطه گروه خدا انقلابی به رهبری حقیقت الهامین را خنثی کردند و ..."

(تاکیدها و جرات‌ها از مات - چکار) برای اینکه خواننده مادیگر هیچگونه خردمندی در دودوزمبازی این دلالان خدوتوده را بخورد را عده‌ها، اظهار نظر سرددل این حزب معامله‌گر یعنی آقای کیا نوری را از روزنامه کیهان خنبه ۸ دی ماه نقل می‌کنیم. او هر باره حوادث افغانستان می‌گوید: "بعقیده" حاکمانه افغانستان یک امر داخلی است (چرا حاکم‌ش لست! لابد اشغالگران روس هم عسر همین عقیده اند!) که طی آن یک جریبانی امپریالیستی سرکوب شده است."

اری درست ۱۵ روز قبل از این اظهار نظر آقای کیا نوری و حزبش معتقد بودند که باید این دست را (دست این جریان امپریالیستی را) بشرد !!

"مردم" افغانستان علیه امپریالیست‌ها و عمل آنها، علیه اربابان و فئودالها قیام کردند و دولتی که اکنون دارند در خدمت توده‌های مستضعف افغان است و می‌خواهد استقلال آزادی و رفاه را برای اینها تأمین کند و در امپریالیست‌ها و خا‌شها و مالکان بزرگ را بکشد. جملاتی را که خواندید از "مردم" شماره ۱۲۱ مورخ چهارشنبه ۲۸ آذر، از مقاله‌ای تحت عنوان "دستی که باید بشرد"، برایمان نقل کردیم. نویسندگان مردم در این مقاله ضمن تشریف و تمجید از حقیقت الهامین و دولتی‌گشته او و رهبریش را می‌کنند، از خا‌شحات ایرانی می‌خواهند که دست این دولت را که "در خدمت توده‌های مستضعف افغان است و می‌خواهد استقلال ... را برای اینها تأمین کند و وریشه" امپریالیست‌ها را ... بکشد، بشمارند و مال از آنکه اربابان روسی‌شان چنان خوابی برای این دولت "فدا امپریالیست" و "در خدمت توده‌های مستضعف" دیده‌اند که روح آقای کیا نوری و حزبش از آن خبردار نیست:

سوسال امپریالیسم روس خصم می‌گیرد دست حقیقت الهامین را که دیگر "امین" نیست قطع کند. بهر آئی آنکه چون بموی هیئت حاکمه ایران دست دراز کرده، بلکه حرف‌آیه‌لین دلیل ساده که دیگر کاری از او بر نمی‌آید، و چنین بود که در یک چشم بدمزدن حقیقت الهامین عامل "امپریالیسم آمریکا" از آب درآمد تا راحت تر حشر زیر آب رود!

کودتائی که در پنجشنبه گذشته صورت گرفت سومین کودتا از نوع روسی بود که در ۲۰ ماهه گذشته در افغانستان بوقوع پیوست. در همین حال این اولین کودتائی بود که با کمک مستقیم دهها هزار سرباز روسی که از قبل راهی آن دنیا شده بودند، جامعه عمل بخود پیوست. ما در بالا جملاتی را از قول حزب توده نقل کردیم که درست یک هفته قبل از کودتای در

بقیه از صفحه ۲
چرا امپریالیست‌ها ...

بورژوازی وندخلقی خود را به کرسی بنشانند و قطب زاده میکوشد با چسبیدن خود به خمینی سیاستهای ارتجاعی رهبران قدرتمند مذهبی را نسل به نسل دنبال نماید. در این میان همه این سیاستها و روشها تحت تاثیر فشار جنبش توده‌ای و در عین داشتن محورهای مشترک با یکدیگر تمام می‌کنند و در کوتاه زمان درگیری‌های راحیان گروه‌بندیهای حاکم موجب میشوند. از این جهت است که می‌بینیم ماهها امپریالیست‌ها مواضعی را می‌گیرند و در برابر خرد بورژوازی واقع میشوند اما در شرایط خاص و بحرانی امروز و در فشار جریان نیرومندی از سوی توده‌ها و نیروهای انقلاب، اینستاد و استیجائی این به سیاست و امپریالیسم رومی شود. چرا که اکنون اوضاع متحول و پرتلاطم، بحران‌های عمیق اقتصادی و سیاسی و وجود تشادها و اختلافات درونی جناح‌های حاکم را می‌جوابانند در مقابل خرد بورژوازی نمی‌توانند که با راندن مقطعی و نا پیکرانه چهره‌های رسوا و آشکارا ضد خلقی و وابسته به سیاست سیستم را نجات بخشد، اما همین امر منسوبه خود و اراج از راه و نیروی هر کدام از گروه‌بندیهای حاکم، خنا‌قعات درونی سیستم را دامن زده، به تلاطم شدن بیشتر اوضاع می‌انجامد. چرا که این خنا‌قعات نه با عسوف کردن چهره‌های وابسته به حاکمیت و استیجائی لیبیرال حل شدنی است نه با روی کار آوردن عناصر سرکوب‌گر و فاشیست. وجود بحرانهای درونی هیئت حاکمه، مراد انتخاب نا پذیر است که ریشه آن را با بیدار حفظ سیستم سرمایه داری وابسته و مایه خدا انقلابی، هیئت حاکمه و تشاد همه جا نبه و عمیق آن با خلق جستجو کرد.

بدین ترتیب که پیش می‌رود بیشتر می‌رسد به دورانی پرتحول و متلاطم که با تاخت‌و‌تاختی‌های گوناگون هیئت حاکمه از عقب نشینی گرفته تا سرکوب و اوگیری بیشتر و بیشتر جنبش انقلابی در ابعادی بمراتب عظیم تر از گذشته روبرو باشیم.

بقیه از صفحه ۱۸

همدوش با انقلاب فلسطین ...
علیرغم حجم کوچک، مواضع نسبتاً مترقیانه‌ای دارد که مواضع جبهه خلق نزدیک است.

۸- جبهه خلق برای آزادی فلسطین - فرماندهی عمومی

در امل انشعابی بود از راست، که در سال

۹- جبهه آزادی بخش فلسطین

این جبهه در جریان جنگ داخلی لبنان در سال ۷۶، از انشعاب جبهه فوق پدید آمد. مواضع این جبهه از جبهه مادرش را دیکتاتور است. رهبری این جبهه را ابوالعباس و طلعت بمقوب بعهده دارند.



این نظرات رویزیونیستی و لیبرالی که مدت کوتاهی است در مملکت "اتحادیه کمونیستها" بطور آشکارتری اشکاس یافته است و سیستم فکری او را بطور برجسته‌تری به نمایش گذاشته است، بدون شک یکباره شکست خورده و ویکاره بوجود نیامده است. رشته منظم و طرفی این مواضع راه مواضع پیشین این نیرومندی اپورتونیستی و بی عملی خارج نشینی آنان در زمان دیکتاتوری رژیم شاه و مجموعه سیستم فکری - سیاسی و ایدئولوژیک آن که در یک کلام در تفکر دکما تیک روشنفکرانه و الگوسازی از انقلاب چپ گرایشات رویزیونیستی قبلی آنها تلاطم می‌شود، متصل می‌سازد. با درمقالات آینده خواهیم کوشید تا ضمن اشارات مختصر به این پیشینه، توضیح نظرات آنها در دوره جدید و بطور متروخ تردمقطع کنونی، رشته بحث را دنبال کنیم.

ادامه دارد

آری این سخنان نه از آن کمبسته مرکزی حزب توده بلکه گفتاری است از حقیقت ارگان اتحادیه کمونیستهای ایران، "حقیقت" بنا گشودن چنین جبهه‌ای در عرصه سیاست به آسباب رویزیونیستهای می‌ریزد. شکست آوری این است که در شان گرایش رویزیونیستی در مواضع سیاسی "حقیقت"، که او را محبوس به تیمست متروخ از خط امام خمینی نموده است، اخبار آیه نحوه گفتار و رفتار این نشریه نیز تمیم پیدا کرده است بطوریکه در مقالات آن از کلماتی نظیر "شیطان بزرگ آمریکای جانیکنار" (حقیقت شماره ۴۶)، "این شیطان بزرگ بین المللی" (حقیقت ۴۶) و یا "در صحن مبارزه با ارتکاب و افشای منحرفیسم و منافقین (ص ۲ حقیقت ۴۷) و ... استفاده می‌شود!



گرامیداشت خاطره هر شهید خلق پاسداری از خون تمامی شهداست

بعد از ظهر روز پنجشنبه ۵۸/۱۰/۶ سالن ورزش دانشکده پلی تکنیک هزاران نفر را در دل خویش جای داده بود. همه گرد آمده بودند تا خاطره رفقای شهید، ۱۵ ستاره فروزان آسمان جنبش خلق را پاس دارند. تما و بر صمیمی رفقای ما پروردگار را با این نقش بسته بود، بر فراز هر تصویر ستاره ای می درخشید به فروزندی آسمان تمامی شهدای را خلق. این تصویرهای گرامی نظاره گر سرودها و پیا پیا و سوگندها می بودند که از فضای سالن می تراوید، و با خود شور و مایه رزه داشت. آری، مبارزات شهدایان ما با تمامی کاستی هایش، کوله بار راه آینده است و هر شهید جسمش می شهیدان و جسم آریان خلق است. فضای سالن از عشق انباشته بود، لبالب از شور و شور، گروه گر سرود خواننده، پر جنب و پیا پیا می از جانب سازمانهای انقلابی، کارگران و زحمتکشان مبارز، سربازان انقلابی، دانشجویان و دانش آموزان مبارز، خواستنده شد، تمامی این پیا پیا پر ضرورت آدا هم مبارزه خلق تا نابودی کامل امپریالیسم جهانی و به ویژه امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلق ما، و رهائی از سلطه این دیو جهان خوار، تا کسب داشتند، و مبارزه، ۱۵ رفیق پرشور ما را در جهت این آرمانهای مقدس، گرامی داشته بودند. تمامی پیا پیا ره را از جنگ و نفرت بهما زش کاران و رضا انقلابیونی بودند که راه مبارزه خلق را سد می کنند و در جهت منافع کثیفشان بسنه انحراف می کنند، و تمامی پیا پیا وظیفه نبویهای انقلابی و غامض کمونیستها، این پیگیرترین پیا پیا روحیان شیردلی را در ارتقا مبارزات، زحمتکشان با زگومی نمودند.

جمعیت تمامی پیا پیا را می گرفت و استقبال می کرد. مدای گفت زنده سالن را به لیزه در می آورد. از جانب خواننده های رفقای شهید، ها شو شوق پور، بهرام آرام و ما درمجا هد شهید هوشمند خاندانی پیا پیا می خوا شده شد، سز بلند آنگه چنین مبارزینی دیدمانشان پرورش یافته است، پادانان را گرامی داشتند و خاطراتی از آنان گفتند که سیمای قهرمانان رفیقان ما را روشن تر می نمود. پیا پیا جمعیت به خواننده های رفقای ما درود پر شور بود. پیا پیا می خاست و احترام خویش را نشان آنان می نمود. فضای سالن پر از سرود و شور و مایه رزه بود. و سینه ها انباشته از مهرش می شهیدان را خلق یکی از رفقا، قطعه ای را دکلمه کرد، قطعه ای را که تمامی آنچرا که بر میهن ما گذشته بود، شمرگونه، بیان می نمود، و فریاد میسزد: روشنفکران با ما در خویش، توده ها، در امپریال و انقلاب آینده را نویسمی داد. سالن سرپا سکوت بود. و همه می اندیشیدند که آری باید مبارزات رفقا را گرامی داشت. و از آن درس گرفت، باید از آنان با دیگر گرفت، باید از اشتباهات مبارزات آنان آموخت، تنها در این صورت است که به راستی شهیدان را گرامی داشته ایم. باز سرود و شعر می خواندند و در می داد. و جمعیت پیا پیا خسته می داد.

آمریکا، ارتجاع، دستگاههای استعماری خون شهیدان می چکد از چنگشانی

فرست طلبانی را که به قدرت خیزده اند طرد و مشتشان را بازمی کند. در آدا مه پیا مضمین گزاش کوتا هسی از زندگی و مبارزات رفیق شهید هاشم وثیق پور چنین آمده است: "زندگی تو مبارز از او و شخصیتی محکم و با اراده ساخته بود، و او را در مبارزه پیگیر و بی امان می نمود. وی با یکسره و نفرت سر شاری که از همه طبقاتی و اختلاف طبقاتی داشت و از سستی کمبر زحمتکشان درجا مسمه طبقاتی می رود و درج می پرورد و بی شمس نزدیک با طبقه کارگران و زحمتکشان به یادش و لوزی طبقه

کرد، عرب، ترکمن مبارز واقعی علیه امپریالیسم سرکوبگران خلقها همدم است امپریالیسم زنده و جاوید باد راه شهیدان ما در مراسم بزرگداشت خاطره ۱۵ رفیق شهید، از طرف گروه ها و سازمانهای مختلف و همچنین خانواده شهید پیا پیا می فرستاده شده بود که قسمتهای از این پیا پیا را در زیر می خوانید: (۱) بهرام سازمان پیا پیا در راه آزادی طبقه کارگر

پیا پیا سازمان پیا پیا در راه آزادی طبقه کارگر بهما ست بزرگداشت خاطره ۱۵ تن از رفقای شهید بخش متشعب از سازمان مجاهدین خلق ایران، دوستان و رفقای گرامی!

امروز در اینجا گرد آمده ایم تا با رفقای شهیدان را گرامی بداریم. شهدای که در روزهای سیه و زرد دیکتا توری شاه مزدور و استعمارگران نفس در راه آزادی و استقلال میهن از یوغ امپریالیسم و ارتجاع داخلی و خارجی زحمتکشان از قد و سینه استعمار روز میزدند و در این راه ویرانگوه ها با خشن، درود بر همگی آنان! ۱۵ شهید پیا پیا، رفقا: هاشم وثیق پور، حسن سبحان الهی، صادق فرد، نقوی، سیمین جیری، ترکس قجر عبدالو، محمدحاج شفیعی، رفعت افراز، محبوبه افراز، بهرام آرام، اکرم صادق قهره، حوریه محسنیان، احمد صادق قهره، و رفیق شهید بقیه در صفحه ۳۳

کارگر گرامی. (۳) پیا پیا خانواده رفیق شهید بهرام آرام: در این پیا پیا که توسط برادر رفیق شهید بهرام آرام قراش شد، ضمن بزرگداشت یاد شهدا و کوشندگان و پیا پیا روحیان راه آزادی و استقلال که در سالیها سیه مفلان می از مبارزه با امپریالیسم و سگان زنجیری اش فروگذار نکردند و تحلیل از شیفگان راه آزادی آمده است:

"یکی از این شیفگان مبارزه و ابشار بهرام بود. بهرام را در زمان دانشجویی، در زمان بلوغ فکری این چنین بغا طرمی آورم که در خردا دما ۱۳۵۰ بود که او بغا طرا بیگانه

(۲) پیا پیا خانواده شهید ها شو شوق پور: "امروز در اینجا گرد آمده ایم تا یاد تلاش قهرمانانه ۱۵ رفیق شهید را گرامی داریم، گرد آمده ایم تا خاطره شهیدانی را زنده کنیم که در سالیها سیه گذشته مظهر راه انقلابی و تلاش خستگی ناپذیر خلقی را شمه میهن ما بودند. آمده ایم تا از شهیدانی با دکنیم که آشتی ناپذیری و شها مت انقلابی شان، همه انقلابیون و مبارزین راه آزادی را توان میبخشد. چه ایمین ما لگر دشاد ها شو شوق پور یکی دیگر از فرزندان خلق را در شایلی گرامی می داریم که خلق قهرمان ایران مبارزات خود امپریالیستی و مومکار شک خود را هر چه پیگیر تر و با شکوه تر به پیش می برد و سازمان را و

در این لحظات دوران ما زودتر باطنی
که مآزات خلق قهرمانان بر علیه امپریا -
لسم و سرپرندگان نتایج تازه ای یافته است و
در شرایطی که کارگران و زمینکنان میهنمان
با اتحاد خود، با آزاد بهاداران و با زواران بر -
توان عمومی روند تازه پرخرج بیرونی را در قبال
آزادی براراشته اند، سگندیدای می کنیم
که برای با ناداری از خون شهدا و امداد دادن راه
آنها که همانا راهی کارگران و زمینکنان
میهنمان را رستم امپریا لسم و سرما به داری و بنای
ایرانی آزاد و دموکراتیک می باشد، لحظه ای

توضیح مجدد در مورد هویت ایدئولوژیک تشکیلاتی رفیق شهید فاطمه تیفکچی

همانطور که در بهار روز بزرگداشت ۱۵ شهید زمزمه‌ها را در وادیم، ما از یک طرف شاهد و همپیمانان عتمان کردن اشتباهات گذشته و کوشش برای لوث کردن خون شهیدانمان هستیم و از طرف دیگر شاهدیم که چگونه تنگ نظران به نادرست برخی از شهیدای افتخار آفرین بخش منشعب را بخود نسبت می دهند، هر چند که در مواردی مجبورند به ادعای خود را پس بگیرند. غافل از اینکه شما شهیدای راه آزادی و استقلال در پیش ما عزیزان و یارانی که به هویت ایدئولوژیک و تشکیلاتی این رفقا قبل از هر چیز تنگ نظری این مدعیان را به نمایش می گذارد. انتساب رفیق شهید تیفکچی بخود، یکی از اینگونه برخوردهای محدودکننده است. در اینجا باید بگویم که می بینیم، که همه شهیدای راه آزادی و استقلال میهن اعم از هر مرام و مسلکی در پیش ما عزیزند. اما ما هرگز اجازه نمی دهیم که هویت ایدئولوژیک تشکیلاتی شهیدای خلق فرصت طلبانه تحریف گردد، ما همانطور که عمل اپورتونیستی و شهادت نامه سازمان انقلابی را در انتساب شهید که با توطئه ما واک نه وندی به شهادت رسیده اند انتساب می کنیم (شماره ۳۵ پیکار) و همانطور که عمل مرتجعین "حزب جمهوری اسلامی" را که شهیدای انقلاب دمکراتیک و فدا مهربان لیستی خلق را بدون هیچ توضیحی به اسم خودشان چپ و بخش می کنند و از این طریق می خواهند برای خود آبرو و حیثیتی کسب کنند، محکوم می نامیم در اینجا نیز نمی توانیم از حقیقت دفاع نکنیم با این توضیح که این اولین بار هم نیست که ما به تحریف هویت ایدئولوژیک و تشکیلاتی رفقایمان روبرو می شویم. قبل از این نیز با جعل واقعیت در مورد رفقای چون رفیق شهید حسن آلاپوش و رفیق شهید محبوبه متجدین مواجه بوده ایم و هنوز هم هستیم، چرا که عکس آیین رفقا با آرم سازمان مجاهدین خلق ایران در کوی برزیده میشود و با روزنامه ها مت (ارگان جنبش مسلمانان سابق) که سدا افترا را شنه در حالیکه خود سازمان مجاهدین بدرستی از انتساب این شهیدان بخود، خودداری میکنند، کوشش مینماید رفیق حسن آلاپوش را مذهبی معرفی نماید.

در مورد رفیق شهید تیفکچی نیز از آنجا که رهبری سازمان مجاهدین خلق ایران در برهه خود به جریانات و تغییر و تحولات درونی سازمان بین سالهای ۵۴ - ۵۲ نمی تواند از او و به عکس به قضا با برخورد کنند بنا بر این در تحلیل های خود از مسائل این دوره و انتقادات وارد به عملکردهای انحرافی، به موقع گیریهایی غیر سیاسی و تنگ نظران می افند، تا آنجا که در بررسی و تحقیق سوابق این رفیق شهید نیز دچار اشتباه شده و به تحریف هویت ایدئولوژیک تشکیلاتی وی می پردازد. ما در اینجا بسطی از آنکه جای هیچگونه شبهه را باقی نگذاشته ایم به گونه ای از زندگی رفیق پس از سال ۵۳ اشاره می کنیم و از زمان مجاهدین خلق ایران نیز می خواهیم که با برخوردی مجدد و با تحقیق منصفانه و تصحیح اشتباه خود در این مورد مانع

۵۵، برای او محلی ساخته بودند تا بتواند در رابطه با جلسات خانوادها و شهدا و زندانیان سیاسی شرکت نموده. هم در فعالیتهای اعتراضی و افشاگرانه آنها شرکت نموده و با بنظر بیست و ارتباط ضعیف خود را با سازمان حفظ کند. در اسفند ۵۱ زمانیکه پس از پایان دوره دانشکده به عنوان مددکار در بیمارستان کوروش (در منطقه عودلاجان تهران) بکار مشغول شده بود در پوشش یک کارگر راننده بنده کمک، با او تماس گرفته شد تا اینکه در حوالی نوروز ۵۲ به بهانه مسافرت عید از خانه جدا شد و به زندگانی مخفی پیوست.

رفیق لیلی بسیار باهوش، با استعداد، فعال و پیرا نرزی و در برخورد با مسائل بسیار به پیگیری و فعال بود. او به تکیه فعالیتهای پرشور و اشتغالتهای خود و همچنین آموزش ما را که پس از ما در کسبیم - لنینیسم و کار در از دست در کار خانه ها توانست برپایه های از مشکلات غلبه نموده و در کارهای اجتماعی و اجتماعی وارد شود. او در دوران کار، بخشی از دانشجویان را که از آموزش و سپس در جایگاه کلی تر کار رسیدی - تشکیلاتی بخش متشعبه سازمان مجاهدین خلق ایران در درون طبقه، به کارگری در کارخانه ها پرداخت محدود. پس از ۵۲ مدتی در کارخانه های روسازی دکتر عیسی واقع در جاده کرج در قسمت بسته - بندی به کارگری پرداخت، همچنین از زمستان ۵۳ به مدت متناوب به فعالیت خود در کارخانه نشه قرقره زیا، کفش ملی و... ادامه داد و کار - ثابت قابل توجهی نیز برای سازمان تهیه نمود در ۱۴ دیماه ۵۵ یعنی پس از قریب ۵ سال کار مخفی انقلابی در حالیکه به عنوان یک کارگر در کارخانه کار می کرد و با بنظر بیست و ارتباط سیاسی - تشکیلاتی بخش متشعبه از سازمان مجاهدین با طبقه کارگر کمک می نمود، در راه انقلاب دمکراتیک - فدا مهربان لیستی ایران، در راه آزادیهای والای طبقه کارگر، بدست مزدوران شاه جنایتکاران رشتها دست رسید. مردمی که عمر روز ۱۲ دیماه ۵۵ از حوالی شوش - شهاب میگذشتند، زنی چادر بر سر داشتند و به بان دیده بودند که پس از پیاده شدن از سرویس کارگری کارخانه، از درون اتوموبیلی که میبایست هدف رگبار مسلسل واقع شود، درون خود در غلظت رژیم شهادت رفیق لیلی (مدینه) را هم - چون شهادت بسیاری دیگر از انقلابیون مسکوت گذارد، در حالیکه خودهای انقلابی و آگاه ما هرگز با او و دیگر شهیدان راه آزادی و استقلال ایران را از یادها نهند.

فاطمه این رفیق شهید را از میگذارد و با خون او مجدداً بهمان می بندیم که به توده های زحمتکش همواره وفادار باشیم.



بقیه از صفحه ۲۴

گرامی باد فاطمه...

رفیق لیلی زن را در دنیا بودی رژیم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم و سرانجام در دنیا بودی جامعه طبقاتی میدید. رفیق لیلی یکی از افتخارات زنان مبارز است که در آنروزهای سیاه غفلان و شکنجه و اعدام - که بسیاری از مدعیان انقلابیگری امروز را حتی بسیاری اندیشه می روزه نبود - پیش از آنکه مصیبتی به هر که مبارزان انقلابی پیوست.

رفیق لیلی زمره یاران در اسفندماه سال ۱۳۳۸ در خانه های مرفه و مذهبی متولد شد. از دوران دبیرستان در فعالیتهای اجتماعی و فرهنگی درگیر بود. شرکت می نمود پس از طی دوره دبیرستان در آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی با قبول "موسسه کارگری" به ادامه تحصیل پرداخت. تحصیل در این مدرسه و شرکت در فعالیتهای نظری و عملی و تحقیقاتی آن برای رفیق لیلی شرایط نسبتاً مساعدی بودند تا بتواند از دیدگاه های علمی، تربیاتی، اجتماعی و فرهنگی مردم آشنا شود. او می گفت: "تحصیل و کار در این موسسه علیرغم هدفی که دنبال می کنید برای بسیاری از دانشجویان منجر به من فرصت خوبی بودند تا هم از لحاظ معرشتی به پدیده های نظام سرمایه داری آشنا شوم و هم با چشمان خود عوارض اجتماعی آنرا مشاهده نمایم."

آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی بسیاری از موسساتی نظیر کارخانه ها، دانشگاه ها، بیمارستانها و... "مددکار اجتماعی" تربیت میکند. رفیق در یکی از گزارشاتش درباره این موسسه در سال ۵۲ می نویسد:

"وظیفه اساسی ای که به مددکاران محول میشود، اینست که به آنها بیجا دهنی و آشنا شیبای نزدیک با کارگران دانشجوین و... ضمن حل برخی مشکلات موضعی و موقتی آنان از طریق جلب کمک از موسسات بورژوازی و سازمانهای "خبریه" ذهن آنان را از توجه به ریشه های اصلی مشکلاتشان منحرف ساخته و اینطور انحراف می کنند که بگویا همه بدینجهت و بنا بر اساس اینجهت مردم از خودشان و ناشی از عقب افتادگی، بی ارادگی، بی فرهنگی و... فریاد می زنند. نه ناشی از نظام اجتماعی موجود، نه از این نظام، همه را به طبع موجود است و این خود فرد است که بواسطه تنبلی، ناآگاهی و... به آن دسترسی ندارد. همچنین مددکاران موظفند به تهیه گزارش از وضع مردم و ناظر به تهیه موجود در بین آنان به رژیم کمک کنند تا قبل از انفجار اعتراضات و تفرقه گیری جریانها تفرقه ریزی، منفی و سیاسی، از آن اطلاع حاصل کرده و اقدامات پیشگیرانه بعمل آورند. همچنین برخی از مددکاران با با واک همکاری میکنند، در حالیکه کم نیستند کسانی که با استفاده از موقعیت شغلی خود به روشنگری سیاسی و آگاه شدن کارگران و... می پردازند."

در سال ۳۹ زمانیکه هنوز دانشجوی بود در ارتباط سیاسی با سازمان مجاهدین خلق ایران قرار گرفت. پس از ضرباتی که در شهریور ۵۵ به این سازمان وارد آمد، ارتباط رفیق قطع شد. اما علیرغم مشکلات و محدودیتهای زیادی که داشت تلاش برای خودسازی و تجدید ارتباط با سازمان با زانیا پستاد. سارتر برادر مددکاران داشت. انداخته - اعتراضات شد.

بقیه از صفحه ۲۲

توصیح مجدد در مورد ...

از بحث‌ها وجدلهای غیر لازم و فرعی در پیمن
توده‌ها گردد.

[illegible]

پس از غربت تابستان و اوایل پاییز با غم و اندوه
۵۵ درجهای نخبیهرگان و ساهماندهی جمعد
برای پاک کردن ردهاشی که ساهان احتسالا
آشها دست پیدا کرده بود ساهماندهی رفیق
نیز ضعیف گرد و در یک ماه غربت اختلالی خود
با رفیق شهید حوریه مصحبا ن هکلی بود و همراه
او در یک خانه در حوالی میدان اما مصحبا
(فوزیه) زندگی میکرد. در روز دهم شهری
مزدوران ساهان و آشها دست برای غنوهی
کردن یاد داد. آشهای روزانه رفیق شهید
بهرام آرام بجای آمد و بعد از ۴۰
روز قبل از وی بشهادت رسیده بود (از منزل حاج
شده بود و هنگام امارت این یادداشتها پیش
و بود بهمین جهت پس از شهادت وی ساهان
برخی از یادداشتهای رفیق بهرام را برای
احتسادهای تبلیغی در روز و ماهها پس
برساند. اما شهادت از این طریق مطمئن شدیم که
او به جنگ ساهان افتاده است (چون احتسالا
خاطر قرار گرفتن رفقا در آزمون همیشه وجود

این بودگوشه‌ای از زندگی رفیق شهید
تفتکچی ، یادآور همه شهدای بخون غشته خلق
گرامی باد .



بقية از صفحه ۲۵

سید کا زمانہ بیکار ہو

محمدرضا آخوندی که در طی ماه های آبان، مهر و آذر سالهای گذشته بدست چاب نیا ن ما و کی و جیلاد ن رژیم شاه در کوجه ها و خبا نها وبا درکنجه گا ه های قرون وسطا یی به شهادت رسیدند ، اکثر آ ز جمله رفقا یی بودند که فعلا لیت خود را از ما زمان مجاهدین خلق ایران آغا ژ نمودند ، و در جرای ن تغییر و تحولات درونی ، به بخش منشعب از ما زمان مجاهدین پیوستند . از این پس هر چنده رفقا یی ما همچنان در جها رچوب مثنی چریکی عمل می کردند ، اما با پیوستن خود به بخش منشعب ، شفق و ایمان خود را به آ زمان و والای طبقه کارگیشان دادند ، و شهادت انقلابی خود را در پیردن از دل بستگی های مادی و فکری گذشته در عمل به اثبات رساندند ، چیزی که برای بسیاری از معدود نگران ، انصر فراقا بسل قبولی منظمی رسید و هنوز نیز با و ر نشانده است . بهمین جا طراعت که ما از یک طرف شا دهیپرا هن عثمان ن کردن اختباهات گذشته و کوشش برای لوٹ کردن خون شهیدان ن هستیم و از طرف دیگرسر شا دهیپم که چگونه تنگ نظران به نادرست برخی از شهادی افتخار آفرین بخش منشعب را بخود نسبت می دهند ، هر چنده در مواردی جبهه رو نبده ها ادعای خود را پس بگیرند . غافل از اینکه شهادت شهید ا و آ ز آزادی و استقلال در پیش ما عزیزند و اینگونه برخورد به هویت ایدئولوژیک و تشکیلاتی این رفقا قبل از هر چیز تنگ نظری این حد میان رای نه مایش می گذارد . اشتبا ب رفیق شهید شیفتگی بخود ، یکی از اینگونه برخورد های محدودنگرانه است .

سان و رفتای محرامی !

امروز در شرایطی با دین فرزندان انقلابی خلق را عزیز می‌داریم که برخی از غنچه‌های آن
و آرزوهای این رفقا به‌شکوفه نرفته است. برای این جانبازان شهید، قبل از هر چیز مهم این
بود که توده‌های تحت ستم، انقلاب کبیر خود را آغاز کنند، گرچه آنان نتوانستند تحقق این آرزو
را به‌جست خود ببینند، ولی با عشق و علاقه به خلق و تادم شهادت با آن زندگی کردند. و ما دیدیم که
چگونه این آرزو در فاصله بسیار کوتاهی از شهادت آنان به‌تحقق پیوست، آری توده‌ها انقلاب خود
را آغاز کردند و در یک مرحله با نشاناردها هرا شهید، مباحط سلطنت را به‌زبان لهدانی تاریخ افکندند.
و ضربات جدی بر پیکر امپریالیسم وارد کردند. از این به‌بعد هر چند که با خیانت پورژوازی لیبیرال
و تحزین و دنباله‌روی خرده پورژوازی مرفه سستی آری، امپریالیسم و ارتجاع از مرکز حتمی
و نهایی جان بدبستر خرده طبقه فاسدی جدیدی از ضد انقلاب، در مقابل خلق پیوسته آمد، اصلاً
همگی در طی دهه‌ها و نیم گذشته شاهد بوده‌ایم که اینها هیچ‌کدام با شیخ ازبیلشروی با زعم عیشتر
توده‌ها در جهت نابود کردن نظام سرمایه‌داری وابسته و قطع کامل سلطه امپریالیستی و نیل به
اهداف دموکراتیک انقلاب، نبوده‌است. آری، طوفانی که از پیش از دو سال پیش در میهنستان
بر خاسته‌است، علیرغم افت و خیزها بیش از هرگز میل به آرام گرفتن نداشته و. طوفانی که اجازتمیده
تا سلطنت طلبان بدبوروئی و لیبیرالیهای خدخلق، و عمال خرپرده امپریالیسم و تسمای عیسویه
چنین انقلاب به خواست‌های خد خلقی خویش بپردازند، و از نواح کمیت سیستم سرمایه‌داری وابسته را
تشتیت با زند. طوفانی که علیرغم یک دورسکوب غاشنه خلق کرد، و زمینستان شورروست را
همچنان خوشه پیش‌پیش می‌رود، و غوغای ستم در میان توده‌هاست و تا وقتی غلغای خمدیده
در کوچه و خیابان نیست به مقدار غوغای ستمی نخواهد تشنه‌اند، این طوفان همچنان خواهد خرید.
اما مبارزه کارگران بر علیه سرمایه‌داران وابسته و بزرگ و علیه حضور امپریالیسم و اقتصاد
میهنان، اما مبارزه حقیقتاً بر علیه زمین‌داران و معادله زمینهای آنان منفع خود، معادله
خانه‌ها و آقا و تسمانهای سرمایه‌داران و وابسته و بزرگ بدست زمینستان و قبا و غلغای و در آستان خلق
کدبر برای احقاق حقوق حقه خویش و یخاک با لیدن به‌روزه ارتجاع در کردستان، همه و همه تشنه‌ان
می‌دهند که سیاست همچنان در میان توده‌ها بی‌خواهد ماند. علیرغم تغییر در تاکتیکهای هیئت
حاکم، و گاهی پیوی خدامپریالیستی وی با زعم این جنبش شریفانه توده‌ها به پیش‌پیش‌پیش و بی‌سات
مزدگردد. سلطه سرمایه‌داران در میهن به‌جمله جمهوری دموکراتیک خلق را مستقر خواهد ساخت.

اما آنچه در اینجا شمعین گفته است، حرکت آگاهانه نیروهای انقلابی و در رأس همه نیروهای راستین طبقه کارگر است. تنها از طریق بسیج نیروی عظیم خودها و مبارزه بر علیه شما عسسی رویزیونیستها و سازگاران است که میتوان خود را به اهداف انقلابی خود رهشون گشت.

بگوئید در این راه از زور و جنگی، وفاداری شما می شهیدایمان بها موزیم. بگوئیم در این راه از تنب و آموزشهای شما هیچک رجویان راستین خلقمان که جان خود را در راه انقلاب دموکراتیک وفادامهریالستی، نشان کردند بسیار موزیم، وبگوئیم تا شما می آرزوها و امیدهایی رفقای شهیدان را با پیروی از منی پرولتاریای دوران سازیر آورده سازیم.

دوستان و رفقای گرامسی!

سان ورفقای گرامی !

ہمارے دیکر :

به ۱۵ رفیق رزمنده شهیدمان درود می فرستیم !

به‌عبارت دیگر، زمانی که چنانچه فرزندان انقلابی و جوانبازی را در دامن خود پرورانده‌اند، درود می‌فرستیم و به‌تأمل می‌شهادتی که خلق کیهان را در آغوش خود پرورانده است، درود می‌فرستیم. وبخون این شهدا و تأمل می‌شهیدان خلق سوختنی خورشید که تا رسیدن به آزادی و استقلال مهن از جنگ امپریالیسم و ارتجاع داخلی و نفی کامل اشتراک رورسیدن به جامع طبقة‌گرزآزایی نخواهیم

مجموعه

سرگ برا مہر بالمسم و ارتجاع
درو دہر ہمہ شہدای راہ آزادی و استقلال میہ

ما زمان بیکار و در راه آزادی طبقه کارگر

5A/10/9



گرامی باد خاطره رفیق شهید لیلی زمردیان

"هیچ جنبش بزرگ شمعیدگان در تاریخ بشر، بدون شرکت زنان زحمتکش قادر نبوده‌گامی به پیش بردارد. زنان زحمتکش، این شمعیده‌ترین شمعیدگان، هرگز از جریان اصلی جنبش رها نباشند کنار نمانده و نمی‌توانند بمانند." "استالین"

و آگاهی نسبی از شرایط محیط، رفیق را بعنوان یک روشنفکر بسوی مبارزه گشاید. در تجربه‌های اولیه، رفیق به عقیم بودن معادل رفرمیستی پی برده و مبارزه انقلابی روی آورد. رفیق یک زن انقلابی است که شمعیدگی و محرومیت زن را در جامعه طبقاتی ما بخوبی درک می‌کرد و راه

یکی دیگر از چهره‌های انقلابی و فراموش نشدنی سالهای سپاه پنجاه که جان در راه انقلاب دمکراتیک - ضد امپریالیستی میهن ما نهاد، رفیق لیلی زمردیان (مدینه) بود. حاکمیت سلطه امپریالیستی و ترک سازی سرمایه‌داری و بسته‌ایکطرف و محرومیت میلیونها کارگر و زحمتکش میهن ما از طرف دیگر

شعبه در صفحه ۲۲

بزرگداشت مبارز شهید کامران نجات الهی

نخواست منجر به نابودی قطعی و کامل نظام سرمایه‌داری و بسته‌گرد و پراکنده حقیقت جهان بشود. یکبار دیگر مهربانان شهید که در عصر گندیدگی سرمایه‌داری جهانی، هیچ انقلاب دمکراتیکی جز با اعمال هژمونی طبقه کارگر و انقلابی‌اندیشه‌پروری قطعی نتوانست برسد ما در اولین سالگرد شهادت استاد شهیدمان بهمان می‌سندیم که پرچم خونین شهدا را تا نابودی کامل امپریالیسم و ارتجاع، تا نابودی نهایی نظام سرمایه‌داری وابسته بر پهنه میهنمان همچنان برافراشته نگه‌داریم...

همچنین در قسمتی از پیام سازمان بهمنه غا نوا ده استاد شهید میخوانیم: "با دلهای آکنده زکینه مقدس علیه امپریالیسم و ارتجاع و با روحی سرشار از امید و یقین به آزادی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان میهن، به شما با زماندگان آن مبارز و رفیق شهید درود می‌فرستیم... در سالگرد شهادت او و بهترین سوگ و تسلیت را وفاداری به خون او و تلاش خستگی‌ناپذیر در راه به‌شمر رساندن انقلاب ایران میدانیم..."

روز چهارشنبه ۵/۱۰/۵۸ مراسم نخستین سالگرد شهادت استاد نجات الهی با شرکت هزاران تن در دانشگاه پلی تکنیک برگزار شد. در این مراسم پیام‌های متعددی منجمله پیام‌های زیر قرائت شد:

پیام شیخ عزالدین حسینی، جمعیت کردهای مقیم مرکز گانون مستقل معلمان، دانشجویان هوادار و کارگر، دانشجویان و دانش‌آموزان هوادار سازمان پیکار... و دانشجویان مبارز طرفدار آزادی طبقه کارگر و غنا نوا ده شهیدای چریک - های فدائی خلق، دانشجویان پیشگام، انجمن دانشجویان مسلمان، اتحاد ملی زنان، کارکنان پلی تکنیک تهران، خانواده شهید احمدزاده‌های گانون نویسندگان و... در پیام مشترک "هواداران سازمان" و "دانشجویان مبارز..." آمده بود: "... قیام خونین و شکوهمند میهن ما با وجود شما می‌جا نشانی شده‌ها - علیه رژیم آتشی که توانست بر سلطه امپریالیسم بر میهن - ما زخم‌های کاری وارد آورد، اما بدلیل نبود صف مستقل طبقه کارگر و ستاد رزم‌نمده‌هاش

سوء استفاده از انقلاب فلسطین موقوف!

روزنامه "مردم"، ارگان حزب توده، که میکوشد برای همدستان خود در افغانستان آبرو - ثی دست و پا کند، این بار روقیحا نه (و نه شبانه) به گرسو، استفاده از انقلاب فلسطین افتاده است و در شماره ۲ دیماه خود تلگرافی از پارس عرفات به حفیظ‌الدین امین رئیس (ما سبق) جمهوری افغانستان را چاپ کرده تا "ثابت کند" که انقلاب فلسطین از رژیم افغانستان حمایت می‌نماید. چنین سوء استفاده‌ای البته از حزب توده به معنی نیست، اما قضیه به همین جا ختم نمی‌گردد.

روزنامه جمهوری اسلامی که منویع خود با رها چنین سوء استفاده‌ها می‌کرده از این نکته "تل گرفته"، روز ۴ دیماه ضمن نوشتن جملاتی تحریک آمیز علیه انقلاب فلسطین از سفارت فلسطین خواسته که "جواب بدهد!" حزب جمهوری اسلامی همدا با دیگر نیرو - های ارتجاعی که خواستار ریبند کردن انقلاب فلسطین در چارچوب هدفهای تنگ نظرانه و منافع خاصی می‌بینند، سر و دانه‌های را در پی هستند. توده‌های نا آگاه علیه این انقلاب دامن می‌زنند این حزب و کلا هیئت حاکمه ایران در قبضه با زکردن یک دفتر برای فلسطینیها و بی آنکه تاکنون (پس از قریب یکسال کجکی ما لسی، تبلیغاتی و تبلیغاتی به انقلاب فلسطین کرده باشند، بی آنکه حتی مقرصارت اسرائیل را در اختیار سازمان آزادیبخش گذاشته باشند، میکوشند هر چه بیشتر از آبروی انقلاب فلسطین برای تأشید مواضع ضد انقلابی خود سوء استفاده کنند و فلسطینیها را که میخواهند روابط انقلابی ویرانه‌ای با خلقهای ایران در جهت آزادی فلسطین داشته باشند، تحت فشار قرار میدهند. حزب جمهوری اسلامی مانند کلیه مرتجعین منطقه که از ترس توده‌هاشان ناگزیرند با انقلاب فلسطین روابطی داشته باشند، میکوشند در امور داخلی فلسطین مداخله کنند و این چیز نیست که انقلاب فلسطین همواره آنرا نفی و طرد کرده است.

شتره خبری سفارت فلسطین در تهران (وفا)، در تاریخ ۵ دی ضمن هشدار به این هر دو روزنامه (که هر یک به "مذاق" خود کوشیده‌اند از فلسطینیها سوء استفاده نموده و آنها را تحت فشار قرار دهند) می‌نویسد:

"قسمتی که روزنامه "مردم" آنرا منتشر کرده در نامه (عرفات به حفیظ‌الدین امین) نبوده است و با توجه به مسائل خاصی که در محتوای نامه بوده است اداره سیاسی سازمان آزادیبخش فلسطین آنرا انتشار نمی‌دهد. انتشار نامه را مطالعه می‌کند. در قبضه اینگونه سوء استفاده‌ها که نیرو - های مرتجع از نام و آبروی انقلاب فلسطین بعمل می‌آورند، ما میکوشیم "سوء استفاده از انقلاب فلسطین ممنوع!"

من هو الانکبوتی
المرافق لشریعتمداری؟
بعد الاحداث الاخره انفس
شعبه شریعتمداری
اندر بیان فی ایران والشیع
فتاوی‌ها من مؤلفه انفس
الانکبوتی و انفس لشریعتمداری
نشرک الاخوان علی الشریعتمداری



الانکبوتی و انفس لشریعتمداری
کفر کفر انفس لشریعتمداری،
وینا ان بعض العرفاء من
الدور الحقیقی لشریعتمداری
الاساسی انفس لشریعتمداری
وینا ان بعض العرفاء من
الاساسی فی الامعات ایرانیه
وینا ان بعض العرفاء من

این انگلیسی که مصاحب آیت الله شریعتمداری است کیست؟!

پس از حوادث اخیر شریعتمداری شیدیهن طرفداران آیت الله شریعتمداری و آیت الله خمینی، انتظار متوجه یک انگلیسی بنام "ژان کوپر" شده که بعنوان مترجم آیت الله شریعتمداری فعالیت میکند. برخی از ناظران می - پرسند نقش حقیقی این شخص در خط سیاسی ای که شریعتمداری دنبال می‌نماید، چیست؟ ژان کوپر قبلاً اسلام آورده و در مدارس دینی ایران علوم اسلامی را فرا گرفته است.

(مجله المستقبل، چاپ پاریس، دیماه)

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر